

# Factors Affecting Poverty and Getting out of Poverty Among the Beneficiaries of the Imam Khomeini Relief Foundation

## Somayeh Biabani\*

PhD Student of Sociology of Social Issues; Director of the Social Group; Manager of the Social Group of Information Processing “Naghsh Click” International Company; Tehran, Iran;  
Email: somayeh.biabani@gmail.com

## Mansour Dayhoul

PhD Economic Sociology and Development, Yasuj University; Yasuj, Iran Email: mansurdayhol@gmail.com

## Jamshid Garavand

PhD in Cultural Sociology, Research Institute of Humanities and Social Studies & Chairman of the Board of Information Processing “Naghsh Click” International Company; Tehran, Iran;  
Email: jamshid\_garavand@yahoo.com

## Saeed Zarezade

PhD Student of Cyberspace Management at National Defense University; Tehran, Iran Email: s.zarezade@gmail.com



Imam Khomeini Relief Foundation  
Empowerment and  
Deprivation-elimination Journal

<https://pajooresh.emdad.ir>

Vol. 1 | No. 2 | pp. 109-144

Autumn 2023



Received: 15, Oct. 2023 | Accepted: 20, Nov. 2023

## Abstract

**Introduction:** Poverty alleviation, taking care of the poor and trying to meet the needs of the deprived is one of the strict orders of Islam. In this regard, one of the first measures to handle the affairs of the disadvantaged was the formation of the Imam Khomeini Relief Foundation. In this regard, one of the first measures to deal with the affairs of the deprived was the formation of the holy institution of the Imam Khomeini Relief Foundation, which has provided significant services to the needy, especially in the villages and deprived areas, during the past four decades. Because in the Islamic system, people have the right to enjoy a dignified life in order to meet their needs in various dimensions, increase the quality of life, provide a minimum acceptable level of food, housing, education and health. Therefore, efforts towards poverty alleviation and realization of social well-being will not be possible except through a precise understanding of the roots of being caught in the poverty trap, the needs of the disadvantaged and identifying effective strategies for empowering the classes that need to get out of poverty. Carrying out a research project

\* Corresponding Author

at the national level, entitled “Causes and factors affecting poverty and getting out of poverty” with the aim of: 1- Identifying the factors affecting the fall of the needy into the abyss of poverty, 2- The causes of persistence in poverty and long-term dependence on support institutions. 3- And the factors affecting self-sufficiency and getting out of poverty were identified. The results of this research are the basis for creating innovation in policy planning and providing support services and accelerating and facilitating the empowerment of the target community, that is, the relief Foundation’s clients.

**Methodology:** Based on its subject and purpose, this research is of the type of applied research, based on the nature of the data, it is of the type of mixed research methods, and in terms of the method of data collection, it is of the descriptive type. The approach used in this study is of sequential exploratory type.

**Findings:** Findings were presented in the field of education, employment, culture industry, marriage and family.

**Conclusion:** Individual factors affecting the exit from poverty are directly related and intertwined with contextual and structural factors. The relationship and interaction between the social system, the government policies in the economic field, the education system, the way the society views women and their special interaction and relationship with each other, creates and perpetuates poverty.

**Keywords:** Poverty, Poverty Alleviation, Imam Khomeini Relief Foundation and Relationship with each other, Creates and Perpetuates Poverty

# عوامل مؤثر بر فقر و خروج از فقر در بین مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره)

## سمیه بیابانی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی؛ مدیر  
گروه اجتماعی شرکت پردازش اطلاعات نقش کلیک؛  
تهران، ایران؛  
پدیدآور رابط: somayeh.biabani@gmail.com

## منصور دیپول

دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه؛ دانشگاه یاسوج؛  
یاسوج، ایران mansurdayhol@gmail.com

## جمشید گراوند

دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی پژوهشگاه علوم انسانی و  
مطالعات اجتماعی؛ رئیس هیئت‌مدیره شرکت پردازش  
اطلاعات نقش کلیک؛ تهران، ایران؛  
jamshid\_garavand@yahoo.com

## سعید زارعزاده

دانشجوی دکتری مدیریت فضای سایبری؛  
دانشگاه عالی دفاع ملی؛ تهران، ایران؛  
s.zarezade@gmail.com



پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۹

دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۳

نشریه علمی توانمندسازی و محرومیت‌زدایی  
کمیته امداد امام خمینی (ره)  
<https://pajooresh.emdad.ir>  
دوره ۱ | شماره ۲ | صص ۱۰۹-۱۴۴  
پاییز ۱۴۰۲



## چکیده

**مقدمه:** زکات فقرزدایی، رسیدگی به فقرا و تلاش برای رفع نیاز محرومین یکی از دستورات اکید اسلام است. در همین راستا، یکی از اولین اقدامات جهت رسیدگی به امور محرومین، تشکیل کمیته امداد امام خمینی (ره) بوده است که در طی چهار دهه گذشته، خدمات قابل توجهی به نیازمندان به‌ویژه در روستاها و مناطق محروم ارائه نموده است. چرا که در نظام اسلامی، آحاد مردم حق دارند که از زندگی آبرومندانه برای تأمین نیازهای خود در ابعاد مختلف، بالاترین کیفیت زندگی، تأمین حداقل قابل قبولی از غذا، مسکن، آموزش و بهداشت، برخوردار شوند. بنابراین تلاش در جهت فقرزدایی و تحقق رفاه اجتماعی، جز از طریق شناخت دقیق ریشه‌های گرفتار شدن در دام فقر، نیازهای محرومان و تشخیص راهکارهای مؤثر توانمندسازی اقشار نیازمند خروج از فقر، میسر نخواهد شد. انجام طرح پژوهشی در سطح ملی، با عنوان «علل و عوامل مؤثر بر فقر و خروج از فقر» با هدف: ۱- شناسایی عوامل مؤثر بر سقوط نیازمندان به ورطه فقر، ۲- علل ماندگاری در فقر و وابستگی طولانی مدت به نهادهای حمایتی ۳- و شناخت عوامل مؤثر بر خودکفایی و

خروج از فقر صورت گرفت. نتایج حاصل از اجرای این پژوهش، زمینه‌ساز ایجاد نوآوری در طرح سیاست‌ها و ارائه خدمات حمایتی و تسریع و تسهیل توانمندسازی جامعه هدف، یعنی مددجویان کمیته امداد است.

**روش‌شناسی:** این پژوهش بر اساس موضوع و هدف آن از نوع پژوهش‌های کاربردی، بر اساس ماهیت داده‌ها از نوع روش‌های پژوهش ترکیبی ۲ و از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها از نوع توصیفی است. رویکرد مورد استفاده در این مطالعه، از نوع متوالی اکتشافی است **یافته‌ها:** یافته‌هایی در حوزه آموزش، اشتغال، صنعت فرهنگ، ازدواج و خانواده ارائه شد.

**نتیجه‌گیری:** عوامل فردی مؤثر بر خروج از فقر کاملاً در ارتباط مستقیم و در هم تنیده با عوامل زمینه‌ای و ساختاری است. رابطه و تعامل بین نظام اجتماعی، سیاست‌های دولت در زمینه اقتصادی، نظام آموزش، نحوه نگرش اجتماعی به زنان و تعامل و رابطه خاصشان با یکدیگر، زمینه‌ساز و تداوم‌بخش فقر است.

**کلیدواژه‌ها:** فقر، فقرزدایی، کمیته امداد امام خمینی (ره)

## شناخت ابعاد مسئله

فقر که نمودی از توسعه‌نیافتگی است، مشکلات مختلفی را در ابعاد گوناگون برای جوامع به بار می‌آورد. به‌همین خاطر، موضوع فقر در تمامی کشورهای جهان دارای اهمیت فراوان بوده و برای از بین بردن یا کاهش میزان آن، برنامه‌های ویژه‌ای را اجرا می‌کنند. لذا سنجش فقر و نیز یافتن راه‌های مختلف فقرزدایی در دهه‌های اخیر در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشورهای دنیا به‌ویژه کشورهای توسعه‌نیافته اهمیت زیادی پیدا کرده است.

در سال‌های اخیر موضوع توانمندسازی جوامع فقیر، مورد توجه ویژه صاحب‌نظران و دولت‌ها قرار گرفته است. هدف برنامه‌های توانمندسازی کمک به افراد نیازمند است، تا تلاش نمایند بر کاستی‌هایشان غلبه یابند، جنبه‌های مثبت زندگی‌شان را بهبود بخشند، مهارت‌ها و توانایی‌هایشان را برای کنترل عاقلانه بر زندگی افزایش داده و آن را در عمل پیاده نمایند.

در کشور ما یکی از نهادهای تأثیرگذار در زمینه توانمندسازی و کاهش فقر اقشار

۱. تحقیقات کاربردی یا Applied Researches به‌منظور بهبود وضعیت و عملکرد با استفاده از نتایج تحقیقات بنیادی به توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص کمک می‌کند.

2 Mixed methodology



ضعیف، کمیته امداد امام خمینی (ره) است. یکی از ارگان‌هایی که در کشور بعد از انقلاب شکل گرفته و در زمینه مبارزه با فقر فعال است.

آغاز و استمرار فعالیت کمیته امداد امام خمینی (ره) با تمرکز بر امدادرسانی و حمایت از افراد و خانواده‌های نیازمند با رعایت کرامت انسانی و عزت نفس آنان است. یکی از فعالیت‌های مهم کمیته امداد امام خمینی (ره)، کمک به خوداشتغالی و رفع بیکاری محرومان در قالب طرح‌های اشتغال‌زایی و خودکفایی می‌باشد که هر سال نیز به جمع تعداد متقاضیان این خدمت افزوده می‌شود. بخش اشتغال و خودکفایی کمیته امداد امام خمینی (ره)، اهدافی چون:

۱. ارتقاء سطح آگاهی‌های فرهنگی، علمی و مهارت‌های فنی و حرفه‌ای مددجویان؛
۲. افزایش توان اقتصادی افراد و خانواده‌های مستعد تا مرز خودکفایی کامل به نحوی که آثار فقر و محرومیت از زندگی فردی و خانوادگی ایشان محو گردد؛
۳. ایجاد فرهنگ کارآفرینی و تلاش در مددجویان برای رسیدگی به زندگی بهتر، را دنبال می‌کند (سالنامه آماری). در واقع مأموریت کمیته امداد از حمایت از اقشار محروم جامعه در مرحله اول خوداشتغالی و بسترسازی برای تأمین معاش آنان بوده و در مرحله بعد با ارائه آموزش‌ها و مهارت‌های مختلف می‌خواهد که این اقشار محروم و مستضعف توانمند شده و خودکفا گردند و دیگر نیاز به حمایت این نهاد نداشته باشند.

علی‌رغم تلاش‌های وافر این نهاد در راستای هدف اساسی خود، یعنی خوداتکایی مددجویان و صرف هزینه‌های زیاد، تعداد مددجویان خوداتکا شده، نسبتاً کم است. شناسایی عوامل کلیدی موفقیت طرح‌های خوداشتغالی و خودکفایی افراد تحت پوشش، می‌تواند به مسئولین این نهاد کارآفرین اجتماعی در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی جهت افزایش نرخ خودکفایی طرح‌های خوداشتغالی افراد تحت پوشش، خود کمک مؤثری نماید.

حال پرسش اساسی پژوهش حاضر اینجاست که چرا علی‌رغم اهمیت این موضوع و نیز تلاش‌های بی‌وقفه و هزینه‌کردن منابع مالی فراوان توسط کمیته امداد امام خمینی (ره) برای برون‌رفت مددجویان از فقر، چرا هنوز فقر وجود دارد و ریشه‌کن نشده است؟ بدیهی است در تولید و بازتولید فقر عوامل متعدد داخلی و خارجی، اعم از سیاست‌گذاری‌ها، قوانین مصوب، فراز و نشیب‌ها و تنش‌های اقتصادی کشور، تحریم‌های خارجی و غیره

در سطوح خرد و کلان، دخالت دارند و نمی‌توان همه مسئولیت این موضوع را بر دوش یک نهاد، یعنی کمیته امداد امام خمینی (ره) گذاشت. با این وجود، حلقه مفقوده‌ای که ضرورت انجام این پژوهش را دوجندان می‌کند، بررسی دقیق عوامل فقیر شدن افراد و یا خروج از فقر ایشان است تا بر اساس آن بتوان به اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌های مؤثر و راهگشا پرداخت.

### ضرورت و اهمیت انجام پژوهش

از آنجایی که فقر نمایانگر وضعیت اقتصادی مردم یک کشور و چگونگی توزیع درآمد آن‌هاست؛ یکی از ملاک‌های سیاست‌گذاران برای اتخاذ سیاست‌های مناسب است. مشاهده فقر، پدیده رقت‌انگیزی است که تأسف و تأثر بسیاری را برمی‌انگیزد و هر بیننده‌ای را به تفکر وامی‌دارد. فقر عامل نابهنجاری‌ها و انحرافات اجتماعی بوده و رابطه مستقیم با آن دارد. فقر باعث شکاف بین زندگی شرافتمندانه و کار شرافتمندانه می‌گردد و همین امر موجب اختلالات ناهنجاری روانی گسترده و عمیق می‌شود که توجه به آن بسیار ضروری می‌باشد. فقر به دلیل اینکه تهدیدی برای خود فقر است. به نوعی تهدید برای اغنیاء و نظام اجتماعی موجود است. و سلسله‌مراتب اجتماعی و سلسله‌مراتب قدرت جهانی را به هم می‌ریزد (وندقی، ۱۳۹۶: ۱۱۹).

یکی از مهم‌ترین تأثیرات فقر به وجود آوردن انحرافات اجتماعی است که با آن رابطه مستقیمی دارد. در بستر فقر شرایط مناسب بروز انحرافات اجتماعی فراهم است و نقش زمینه‌سازی برای انحرافات اجتماعی را ایفا می‌کند. از دید اندیشمندان، جرم، فساد اخلاقی، نتیجه فقر است که زاینده امپریالیسم توسعه‌طلبی ناشی از سرمایه‌داری است. فقر جاده‌ای است که می‌تواند رونده خویش را به دامان کفر رهنمود کند (همان: ۱۲۱).

با آگاهی از این شرایط و عوارض و پیامدهای فقر، کمیته امداد امام خمینی (ره) به‌عنوان یکی از بزرگترین نهادهای حمایتی سالیانه هزینه‌های زیادی برای ریشه‌کنی فقر و توانمندسازی فقرا انجام می‌دهد و مساعدت‌های مناسبی چه از جانب اعتبارات دولتی و چه از طریق کمک‌های مردمی دریافت می‌کند و به فقرای تحت پوشش ارائه می‌دهد، لیکن علی‌رغم موفقیت در کنترل عوارض و پیامدهای فقر و مبارزه با آسیب‌های ناشی از آن به دلیل پیچیدگی‌ها و چند عاملی بودن مشکلات نیازمندان، در مبارزه با فقر چندان موفق نبوده است و روز به روز به تعداد فقیران تحت پوشش اضافه می‌شود. یکی دیگر از موضوعاتی که گریبانگیر نهادی حمایتی و به‌طور



خاص کمیته امداد است مسأله رسوب افراد تحت پوشش است. بدین مفهوم که مراجعینی که برای دریافت خدمات مراجعه می کنند سال های سال تحت حمایت می ماند و خود کفا و توانمند نمی شوند و این موضوع باعث از بین رفتن حس خوداتکایی مراجعین و به تبع آن فقیرتر شدن آن ها می شود. به همه این موضوعات افراد فقیر شده ناشی از نوسانات اقتصادی سال های اخیر که حاصل از تحریم های اقتصادی، همه گیر شدن ویروس کرونا و سوء مدیریت و فساد در برخی ارگان ها است را نیز باید اضافه کرد.

با این توصیف بررسی این که واقعاً چرا افراد تحت پوشش فقیر شده اند؟ یا چرا افراد فقیر می مانند و یا چرا با وجود ارائه برنامه ها و حمایت و مساعده های کمیته امداد افراد تحت پوشش از فقر رهایی نمی یابند؟ آن هم از منظر خود افراد و بدون هیچ گونه واسطه و یا سوگیری می تواند به برون رفت از چرخه رسوب و همچنین جلوگیری از فقیرتر شدن افراد کمک کرد.

از سوی دیگر بدیهی است اجرای سیاست های کاهش فقر، بدون تعیین گستره و ابعاد آن ها، موفقیت چندانی نخواهد داشت و اصولاً یکی از مسائل مهم در تدوین برنامه های کاهش فقر، اطلاع از گستردگی فقر حاکم بر جامعه و عوامل مؤثر بر آن است. پس از تعیین گستره فقر و اطلاع از عوامل تعیین کننده آن با بصیرت بیشتری می توان به تصریح اهداف و گزینش روش های عملی اجرای برنامه های کاهش فقر و بهبود توزیع درآمد اقدام نمود. آشکار است که عدم شناخت صحیح فقر و ابعاد آن و کم توجهی به عوامل تأثیرگذار آن در برنامه های مختلف، باعث سیاست گذاری های نامناسب، اتلاف منابع کمیاب اقتصادی، عقیم ماندن تلاش ها و برنامه ها و تداوم فقر و ممانعت از دستیابی به توسعه پایدار می گردد.

بنابراین انجام پژوهش حاضر و در راستای آن شناخت صحیح فقر، ابعاد آن و شناسایی عوامل تعیین کننده آن در بین مددجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) می تواند به عنوان راهنمایی مناسب برای تدوین برنامه های فقرزدایی، ارائه الگوهای توانمندسازی و استفاده بهینه از منابع کمیته امداد تلقی گردد.

## اهداف پژوهش

پژوهش حاضر به دنبال دستیابی به چهار هدف اصلی و چند هدف فرعی به شرح

زیر است:

## اهداف اصلی

۱. شناسایی عوامل اصلی مؤثر بر فقر در خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) با تمرکز بر خانوارهایی که در طول پنج سال اخیر فقیر شده‌اند (فقیر شده‌ها)؛
۲. شناسایی عوامل اصلی مؤثر بر فقر در خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) با تمرکز بر خانوارهایی که بیش از ۵ سال است که تحت حمایت امداد باقی مانده‌اند (فقیر مانده‌ها)؛
۳. شناسایی عوامل اصلی مؤثر بر خروج از فقر در خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) با تمرکز بر خانوارهایی که در طول پنج سال اخیر خود کفا شده و از فقر خارج شده‌اند (از فقر خارج شده‌ها)؛
۴. ارائه راهکارها و برنامه‌های سیاستی برای خروج از فقر خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد (ره).

## اهداف فرعی

- ◇ شناسایی خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد به تفکیک خانوارهای فقیر شده، فقیر مانده، و از فقر خارج شده؛
- ◇ دسته‌بندی عوامل مؤثر بر فقر و کاهش فقر در سطح خرد و کلان نظام اجتماعی اقتصادی کشور؛
- ◇ تدوین و ارائه چک‌لیست ارزیابی و پایش فقر و عوامل مؤثر بر آن.

## مبانی نظری و مفاهیم

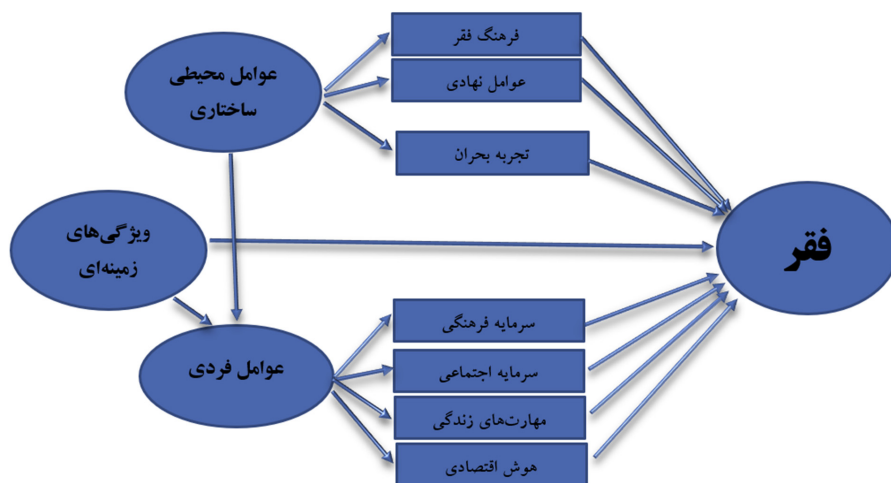
بحث در خصوص مفاهیم در علوم انسانی ساده نبوده و همواره اختلاف نظرهایی وجود دارد. این اختلاف نظرها ناشی از انتخاب دیدگاه نظری انتخابی و تجارب متفاوت محلی است. در واقع در علوم انسانی ما با یک مفهوم ثابت با ویژگی‌ها و شاخص‌های سنجشی واحد سر و کار نداریم. این شاخص‌ها، بر اساس جامعه مورد مطالعه و متغیرهایی همچون زمان و مکان متغیر می‌شوند. با این حال در پژوهش‌های ترکیبی سعی بر آن است که علاوه بر اکتشاف ویژگی‌های خاص آن جامعه، از نظریات و نتایج سایر پژوهش‌ها نیز استفاده شود.





## مدل نظری (مفهومی)

در این پژوهش با اتخاذ رویکردی تلفیقی، چارچوب نظری تدوین و ترسیم شده است. ماهیت مدل، متمرکز بر نشان دادن علل فقر و راه‌های خروج از فقر است. در این مدل سه دسته از عوامل وجود دارد که هر یک بر اساس متغیرهایی به توضیح علل فقر و خروج از آن می‌پردازد. در سطح خرد و فردی، بر اساس آنچه نظریه‌ها و یافته‌های تجربی نشان می‌دهد، مهارت‌های فردی، هوش اقتصادی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و سرمایه اجتماعی عوامل فردی مهمی در ماندن یا خروج از فقر افراد است. در سطح کلان و ساختاری نیز دو دسته عوامل محیطی و طبیعی به واسطه حوادث و بلایای طبیعی و اقلیمی و تجربه بحران (حوادث و رویدادهای ناگوار) و هم‌چنین عوامل نهادی (سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی نهادی) و ساختاری با تکیه بر الگوهای رفتاری ساختاریافته (فرهنگ فقر) بر ایجاد فقر و خروج از آن مؤثر هستند. عوامل ساختاری، بر روی عوامل فردی نیز اثرگذار بوده و بدین ترتیب با رابطه غیرمستقیم نیز اثری مضاعف بر میزان فقر و خروج یا ماندگاری در آن دارد. در این میان عوامل زمینه‌ای به‌عنوان عاملی دیگر که هم اثر مستقیم داشته و هم به‌عنوان عاملی مداخله‌گر و در رابطه با عوامل فردی، در ورود، ماندگاری یا خروج از فقر اثرگذار است.



نمودار ۱. مدل مفهومی پژوهش

## تعاریف فقر

تعاریف فقر بر حسب مکان و زمان متفاوت از هم بوده و از این لحاظ بین محققان اختلاف نظر وجود داشته است. ولی اکثر این محققان در خصوص نیاز به تعریف فقر اتفاق نظر دارند. چهار نوع تعریف کلی از فقر وجود دارد: فقر درآمدی (نیازهای اساسی)، فقر انسانی، فقر قابلیت‌ی و فقر چند بعدی.

## خط فقر

محاسبه علمی خط فقر در جهان از حدود ۱۰۰ سال پیش شروع شده است. بسته به اینکه در تعریف فقر مفهوم مطلق یا نسبی در نظر گرفته شود، آستانه‌ای تعریف می‌شود که مرز بین فقیران و سایر افراد جامعه را مشخص می‌کند. این آستانه، خط فقر نامیده می‌شود.

خط فقر، مخارج یک فرد در زمان و مکانی معین جهت دسترسی به یک سطح حداقلی از رفاه است. افرادی که به این سطح از رفاه دسترسی ندارند، فقیر محسوب شده و افرادی که در این سطح از رفاه یا بالاتر از آن قرار دارند، غیرفقیر تلقی می‌شوند (زروکی و همکاران، ۱۳۹۹؛ پرستش، ۱۳۸۷). از نظر بانک جهانی خط فقر، حد فاصل گروه‌های جامعه به لحاظ برخورداری یا عدم برخورداری از حداقل معیارهای اساسی است.

برای اندازه‌گیری فقر و تعیین فقرا و تمیز آن‌ها از غیرفقرا به یک آستانه یا ملاک به نام خط فقر نیاز است. این آستانه را می‌توان بر اساس واحد پولی و حداقل مخارج برای ادامه حیات تعریف نمود. اما ادامه حیات نیز کاملاً روشن نیست. همین ابهام موجب شده است که تعاریف مختلفی از فقر و خط فقر ارائه شود. بعضی از محققین حداقل معاش برای ادامه حیات را بر حسب میزان انرژی و پروتئین مورد نیاز بدن تعریف می‌کنند. بسته به اینکه فقر به مفهوم مطلق یا نسبی در نظر گرفته شود، آستانه‌ای تعریف می‌شود که مرز بین فقیران و سایر افراد جامعه را مشخص می‌کند. این آستانه خط فقر نامیده می‌شود. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که خط فقر نیز دارای مفاهیم مختلفی است که انتخاب هر یک در سیاست‌های عملی فقرزدایی حائز اهمیت است. زیرا شاخص‌های فقر مبتنی بر این مفاهیم، حساسیت‌های متفاوتی در مقابل تغییرات اقتصادی و اجتماعی کوتاه‌مدت و بلندمدت و یا نابرابری از خود نشان می‌دهند.



### خط فقر مطلق

خط فقر مطلق عبارت است از مقدار درآمدی که با توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... جامعه مورد بررسی، برای تأمین حداقل نیازهای افراد (مانند غذا، پوشاک، مسکن و ...) لازم است یا دست کم شرایطی (مانند حداقل میزان درآمد، تحصیلات، مسکن و ...) که تأمین نشدن آن موجب شود، فرد مورد بررسی به‌عنوان فقیر در نظر گرفته شود. این روش تعیین خط فقر را «روش نیازهای اساسی» می‌گویند (ابوالفتحی قمی، ۱۳۷۱).

در این روش ابتدا یک میزانی از درآمد برای تأمین هزینه‌های غذایی مصرفی در نظر گرفته می‌شود. سپس مقداری درآمد ثابت برای تأمین هزینه حداقل سایر نیازهای اساسی به آن افزوده می‌شود. در صورتی که اندازه این نسبت برای هر فرد جامعه بزرگ‌تر از اندازه مشخص و معلوم در نظر گرفته شده باشد، این فرد غیرفقیر محسوب می‌شود (ابونوری، ۱۳۸۷). گاهی اوقات برای تعیین خط فقر مطلق از روش حداقل درآمد لازم برای تأمین نیازهای اساسی استفاده نمی‌شود، بلکه بر مشخص کردن حداقل نیازهای اساسی برای زندگی، حداقل ویژگی‌های کیفی نظیر حداقل کالری و پروتئین دریافتی روزانه، حداقل سطح زیر بنای مسکونی سرانه، حداقل میزان تحصیلات سرپرست خانوار، حداقل تعداد افراد باسواد خانواده و ... نیز در نظر گرفته می‌شوند و در صورتی که هر یک از افراد جامعه حداقل یکی از این ویژگی‌ها را دارا نباشد، فقیر محسوب می‌شود.

### خط فقر نسبی

خط فقر نسبی به‌صورت درصد معینی از (یا میانگین) درآمد جامعه یا به شکل مرز درآمدی که درصد معینی از افراد جامعه پایین‌تر از آن قرار می‌گیرند، تعریف می‌شود (ابوالفتحی قمی، ۱۳۷۱).

انتخاب خط فقر نسبی موجب می‌شود که همواره در جامعه عده‌ای از افراد به‌عنوان فقیر معرفی شوند. به‌عنوان نمونه بر اساس این تعریف از فقر نسبی، حتی در جوامع توسعه‌یافته، علی‌رغم افزایش درآمدها و رفع نیازهای اساسی، همواره گروهی از جمعیت فقیر محسوب می‌شوند. در واقع هر اندازه که کل درآمد و یا درآمد متوسط افراد جامعه افزایش یابد، فقر به مفهوم نسبی کلمه، همواره با ما خواهد بود. این مسئله مهم‌ترین اشکال خط فقر نسبی است که استفاده از آن را در سیاست‌های فقرزدایی دچار مشکل می‌کند. زیرا کاربرد آن در اندازه‌گیری اثرات این

سیاست‌ها در کاهش فقر تناقضاتی را به وجود می‌آورد. خط فقر نسبی و شاخص‌های فقر نسبی بیش از آنکه نمایانگر فقر باشند میزان نابرابری توزیع در آمد در جامعه را نشان می‌دهند. زیرا تنها تغییرات توزیع در آمد در جامعه بر آن‌ها اثر می‌گذارد. از این رو انتخاب خط فقر مطلق در مقایسه با خط فقر نسبی از مزایای قابل توجهی برخوردار است و به همین دلیل عمده بررسی‌های انجام شده در خصوص فقر، متکی بر کاربرد خط فقر مطلق است. به هر حال برای محاسبه تعداد فقرا نیاز است که خط فقر مشخص شود.

### فقر مزمن و فقر گذرا

فقر مزمن فقری است که برای مدت زمان طولانی و یا در طول عمر افراد یا خانواده‌ها تجربه می‌شود. این پدیده به نام فقر سرسخت و مقاوم نیز شناخته می‌شود. در صورتی که فقر گذرا، فقر کوتاه‌مدت است و به فقری اشاره دارد که ناشی از کاهش موقتی در آمد است. اما منابع خانوار در دوره زمانی طولانی به‌طور متوسط برای حفظ خانوار در سطحی بالاتر از خط فقر کفایت می‌کند.

### روش‌شناسی

این پژوهش بر اساس موضوع و هدف آن از نوع پژوهش‌های کاربردی<sup>۱</sup>، بر اساس ماهیت داده‌ها از نوع روش‌های پژوهش ترکیبی<sup>۲</sup> و از لحاظ نحوه‌ی گردآوری داده‌ها از نوع توصیفی است.

روش‌های پژوهش ترکیبی در پاسخ به محدودیت‌های استفاده از هر یک از روش‌های پژوهش کمی و کیفی به تنهایی، صورت گرفته است. در واقع پژوهش ترکیبی نوعی از پژوهش است که پژوهشگر یا گروهی از پژوهشگران عناصر رویکردهای پژوهش کمی و کیفی را مانند استفاده از دیدگاه‌های کمی و کیفی، جمع‌آوری داده، تجزیه و تحلیل و فنون تفسیر داده‌ها به‌منظور افزایش وسعت و عمق درک و تأیید، با همدیگر ترکیب می‌کنند. با ترکیب یافته‌های کمی و کیفی می‌توان به یک دید کلی در مورد یافته‌ها دست یافت که با هیچ یک از روش‌های کمی یا کیفی به تنهایی امکان‌پذیر نیست. گذشته از این

۱. تحقیقات کاربردی یا Applied Researches به‌منظور بهبود وضعیت و عملکرد با استفاده از نتایج تحقیقات بنیادی به توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص کمک می‌کند.

2. Mixed methodology



پژوهش‌های ترکیبی در شفاف‌سازی شباهت‌ها و تفاوت‌های میان جوانب خاص یک پدیده بسیار کمک‌کننده است. استفاده از هر دو نوع داده به پژوهشگران اجازه می‌دهد که به‌طور هم‌زمان، نتایج به‌دست آمده از نمونه را به جامعه تعمیم دهند و بتوانند درک عمیق‌تری از پدیده مورد علاقه به‌دست آورند. هم‌چنین با این رویکرد می‌توان بر اساس بازخوردهای مشارکت‌کنندگان، آزمون نظریه را به‌منظور اصلاح آن انجام داد.

### روش پژوهش

بر اساس اهداف این پژوهش روش اصلی در این مطالعه، روش پژوهش ترکیبی است. روش‌های پژوهش ترکیبی رویکردهای مختلفی دارد که رویکرد مورد استفاده در این مطالعه، از نوع متوالی اکتشافی است. در این رویکرد، ابتدا داده‌های کیفی و سپس کمی جمع‌آوری و تحلیل می‌شود. اولویت با فاز کیفی پژوهش (مصاحبه‌های کیفی) بوده است و داده‌های کمی برای تقویت داده‌های کیفی استفاده شده است. این طرح بر این اساس که متغیرهای مستقل و روابط بین آن‌ها با متغیر وابسته شناخته شده نیست و همچنین طراحی مدل نظر و اصلاح آن نیاز به آزمون نظریه و طراحی ابزارهای اندازه‌گیری است؛ مورد استفاده قرار گرفته است.

در بخش میدانی و گردآوری داده‌ها نیز روش مورد استفاده این مطالعه، در بخش کمی از نوع پیمایش مقطعی با ابزار پرسشنامه و در بخش کیفی به روش گراندد تئوری با استفاده از روش‌های مصاحبه و مطالعه اسنادی بوده است.

داده‌های گردآوری‌شده در بخش مطالعات اسنادی و مطالعه کیفی (مصاحبه)، بعد از تحلیل و تفسیر، مبنای طراحی مدل نظری و ابزار پژوهش، برای گردآوری داده در بخش کمی و تفسیر نتایج آن است.

در بخش اسنادی، مبنای روشی، استفاده از اسناد، مدارک و مطالعات موجود است. به این منظور در مطالعات پایه، مبنای نظری و تجربی و شناخت وضع موجود از روش اسنادی و رجوع به اسناد و مطالعات موجود در زمینه موضوع مورد پژوهش استفاده شده است. تکنیک اصلی در این بخش، تحلیل ثانویه است. در بخش اجرای میدان، مبنای روشی، مطالعه افرادی بود که تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) بوده یا هستند. بخش مطالعات میدانی شامل دو بخش است. بخش اول که مطالعه‌ای اکتشافی است با روش کیفی با تکنیک مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته عمیق با کارشناسان، مسئولان و مددجویان کمیته

امداد جهت تدقیق و چارچوب‌بندی موضوع و طراحی ابزار پرسشنامه برای بخش دوم پژوهش بوده است. بخش دوم مطالعه میدانی نیز در راستای تحقق اهداف پژوهش و جهت تعمیق و تدقیق یافته‌های بخش اول و تعمیم‌پذیری آن با استفاده از روش‌های پیمایش بوده است.

### ابزار پژوهش

ابزار مورد استفاده در بخش کیفی شامل مصاحبه‌نامه ساختاریافته (مصاحبه‌نامه طی جلساتی با کمک کارفرما تهیه شده است) بوده است. در بخش کمی نیز، ابزار پژوهش پرسشنامه محقق‌ساخته‌ای بود که بر اساس یافته‌های مطالعات اسنادی و مقولات استخراجی از مصاحبه‌ها تنظیم شده بود. این پرسشنامه بنا به تبادل نظر بین کارشناسان پژوهشی و کارفرما، طی چند مرحله مورد بازبینی و اصلاحاتی قرار گرفت و بر اساس نیازهای کارفرما پرسش‌هایی برای متغیرهای جدیدی به آن افزوده شد. در نهایت ابزار پرسشنامه به تأیید کارفرما در راستای نیل به اهداف پژوهش قرار گرفت.

### جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری مطالعه حاضر شامل کلیه مددجویان ۱۵ تا ۶۵ ساله کشور در سال ۱۴۰۱ که در حدود ۲۳۰۰۰۰۰ نفر است. حجم نمونه در بخش کیفی برای انجام مصاحبه‌ها ۶۳ نفر از ۲۱ استان کشور بوده است. روش نمونه‌گیری در این بخش نمونه‌گیری نظری و تعداد نمونه بر اساس اشباع نظری بوده است. در بخش کمی پژوهش نیز بر اساس که توافقی که با کارفرما صورت گرفته است؛ نمونه‌ای متشکل از ۱۵۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای (متناسب با ترکیب سنی و جنسیتی) از ۳۱ استان کشور انتخاب شد. لازم به ذکر است؛ این حجم نمونه ابتدا بر اساس جمعیت مددجوی هر استان تقسیم‌بندی شد که به دلیل کم بودن تعداد نمونه در برخی استان‌ها تصمیم بر آن شد که حداقل حجم نمونه برای هر استان ۳۱ نفر و حداکثر حجم نمونه ۸۵ نفر باشد. تا بدین ترتیب علاوه بر تقسیم‌بندی متناسب، امکان تعمیم‌پذیری پژوهش نیز حفظ شود. همچنین در این بخش بنا به محدودیت‌های پژوهش و توافق با کارفرما تنها ادارات کمیته امداد مراکز استانی انتخاب جمع‌آوری داده در نظر گرفته شد.

جدول نمونه‌گیری به تفکیک جنسیت و گروه‌های سنی مددجویان آماده شده و با تأیید کارفرما در اختیار پرسشگران قرار گرفته شد. اما از آنجایی که مراجعین به مراکز



کمیته امداد تنها خود مددجویان نبوده و اکثراً یکی از اعضای خانواده که عموماً فرزندان یا همسران آن‌ها بوده؛ به ناچار گردآوری داده بدون توجه به جدول نمونه‌گیری پژوهش بوده و امکان رعایت و محدود ماندن تناسب خواسته شده در جدول نمونه‌گیری نبوده است. این نکته در خصوص مددجویان خارج شده از تحت پوشش کمیته امداد نیز صادق بوده است. چنانچه با وجود هماهنگی و درخواست مکرر مسئول پژوهش و پرسشگران برای دعوت و حضور مددجویان از تحت پوشش خارج شده برای تکمیل پرسشنامه، در نهایت کمتر از ۱۰ درصد از حجم نمونه شامل افراد از تحت پوشش خارج شده بوده است.

### تکنیک تحلیل یافته‌ها

داده‌های جمع‌آوری شده در پژوهش در سه بخش داده‌های اسنادی، داده‌های کیفی و داده‌های کمی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند. در بخش اسنادی به روش تحلیل محتوا و تحلیل ثانویه، در بخش کیفی داده‌های حاصل از مصاحبه و مشاهده به روش گراندد تئوری و داده‌های حاصل از بخش پیمایش با استفاده از نرم‌افزار آماری spss و نرم‌افزار Amos مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند. در گزارش حاضر، به منظور ارائه اطلاعات جمعیت‌شناختی و توصیفی از روش‌های تحلیل توصیفی نظیر محاسبه فراوانی، درصد فراوانی و میانگین استفاده شد. علاوه بر این، ضمن توصیف هر کدام از متغیرها به تفکیک متغیرهای زمینه‌ای شامل جنسیت، سن، وضعیت تأهل، وضعیت تحصیلات و وضعیت فعالیت به منظور بررسی رابطه بین میزان فقر و عوامل مؤثر آن، با متغیرهای زمینه‌ای از آزمون‌های همبستگی خی‌دو و کرامر استفاده شده است. در بخش تحلیلی گزارش نیز، بررسی رابطه بین هر آسیب با متغیرهای تعیین‌کننده با استفاده از آزمون‌های تی‌استیودنت و آنالیز واریانس، سنجش شدت و جهت رابطه بین متغیرها از آزمون همبستگی پیرسون و برای بررسی میزان تأثیر متغیرها، از آزمون‌های رگرسیون خطی به مدل‌های Enter و Stepwise استفاده شده است.

### محدوده مطالعه

محدوده مطالعه حاضر از دو جنبه زمانی و مکانی قابل توجه خواهد بود. در بعد محدوده مکانی، مددجویان کمیته امداد در کل کشور شامل ۳۱ استان که به‌طور اخص، شامل مددجویان مراکز هر استان بوده است. در بعد محدوده زمانی در مقطع زمانی جمع‌آوری داده در سال ۱۴۰۱ بوده است.

## یافته‌های پژوهش

مفاهیم و مقوله‌ها، طی سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری، و کدگذاری انتخابی استخراج شده‌اند. علاوه بر این، مصاحبه با مددجویان کمیته امداد در ۲۱ استانی که بیشترین آمار مددجویان تحت پوشش را داشته‌اند، انجام شده است. انتخاب نمونه‌های مصاحبه، به صورت هدفمند، و بر اساس سه متغیر «علل تحت پوشش قرار گرفتن مددجویان»، «توزیع مددجویان در گروه‌های سنی مختلف»، و «محل سکونت ایشان (شهر یا روستا)» صورت گرفته است. بر این اساس در هر استان ۳ مصاحبه انجام شده است که مجموعاً شامل ۶۳ مصاحبه می‌شود.

یافته‌های پیمایش نشان می‌دهد که در مجموع نسبت به طیف موجود برای سنجش سرمایه فرهنگی، مددجویان از سطح بسیار پایینی از سرمایه فرهنگی برخوردارند. میانگین سرمایه فرهنگی ۱۵٫۲۳ در طیف ۰ تا ۹۶ به دست آمده است. به طوری که ۶۴ درصد از پاسخگویان سرمایه فرهنگی بسیار پایینی داشته‌اند. زنان، افراد مجرد، افراد در گروه سنی ۲۱ تا ۴۰ سال، افراد با تحصیلات دانشگاهی و افراد شاغل بیشتر از سایر گروه‌ها سرمایه فرهنگی داشته‌اند.

همچنین بر اساس نتایج آزمون‌های آماری، سرمایه فرهنگی، همبستگی منفی با میزان فقر دارد. همچنین سرمایه فرهنگی با متغیرهای فرهنگ فقر و جنسیت، رابطه معکوس و با متغیرهای تحصیلات، هوش اقتصادی، تجربه بحران، مهارت زندگی، سرمایه اجتماعی و عوامل نهادی رابطه مستقیم دارد. در واقع نتایج آزمون رگرسیون خطی سرمایه فرهنگی نشان می‌دهد که فرهنگ فقر و جنسیت تأثیر کاهشی و وضع تحصیلات، هوش اقتصادی، تجربه بحران، مهارت زندگی، سرمایه اجتماعی و عوامل نهادی تأثیرات افزایشی در تعیین میزان سرمایه فرهنگی دارند. به عبارتی با تغییر جنسیت از زن به مرد و بالا رفتن میزان تأثیر فرهنگ فقر، میزان سرمایه فرهنگی کاهش می‌یابد. از سوی دیگر با افزایش میزان تحصیلات، هوش اقتصادی، تجربه بحران، مهارت زندگی، سرمایه اجتماعی و عوامل نهادی کاهش می‌یابد. بیشترین سهم در پیش‌بینی میزان سرمایه فرهنگی را به ترتیب متغیرهای تحصیلات، هوش اقتصادی و تجربه بحران دارند.

نتایج به دست آمده از سنجش میزان سرمایه اجتماعی بین مددجویان حاکی از آن است که مددجویان، از سطح بسیار پایینی از سرمایه اجتماعی برخوردارند. چنانچه میانگین سرمایه اجتماعی ۴۰ در طیف ۰ تا ۱۱۰ به دست آمده است. این در حالی است که ۶۱





درصد از پاسخگویان سرمایه اجتماعی کم یا خیلی کم داشته‌اند. مردان، افراد مجرد، افراد در گروه سنی ۲۱ تا ۴۰ سال و افراد با تحصیلات دانشگاهی بیشتر از سایر گروه‌ها سرمایه اجتماعی داشته‌اند.

همچنین بر اساس نتایج آزمون‌های آماری، سرمایه اجتماعی همبستگی منفی با شاخص میزان فقر داشته و با افزایش سرمایه اجتماعی میزان فقر کاهش می‌یابد. همچنین سرمایه اجتماعی همبستگی مثبت با متغیرهای جنسیت، وضع تحصیلات، سن، متغیرهای فرهنگ فقر، هوش اقتصادی، مهارت زندگی، سرمایه فرهنگی و عوامل نهادی دارد. در واقع نتایج آزمون رگرسیون خطی سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که جنسیت، وضع تحصیلات، سن، متغیرهای فرهنگ فقر، هوش اقتصادی، مهارت زندگی، سرمایه فرهنگی و عوامل نهادی تأثیرات افزایشی در تعیین میزان سرمایه اجتماعی دارند. به عبارتی با تغییر جنسیت از زن به مرد و بالا رفتن سن، میزان تحصیلات، میزان تأثیر فرهنگ فقر، هوش اقتصادی، مهارت زندگی، سرمایه فرهنگی و عوامل نهادی، میزان سرمایه اجتماعی افزایش می‌یابد. بیشترین سهم در پیش‌بینی میزان سرمایه اجتماعی را به ترتیب متغیرهای هوش اقتصادی، فرهنگ فقر و مهارت زندگی دارند.

میانگین به‌دست آمده از سنجش متغیر «مهارت زندگی» در این پیمایش، برابر با ۶۲٫۵۸ در طیف صفر تا ۹۰ است که مقدار تقریباً بالایی است. چنانچه بیش از دوسوم از پاسخگویان بر اساس گویه‌های تنظیم شده، مهارت زندگی زیاد یا خیلی زیاد داشته‌اند. افراد مجرد، افراد در گروه سنی ۱۵ تا ۲۰ سال، افراد با تحصیلات دانشگاهی و افراد شاغل بیشتر از سایر گروه‌ها مهارت زندگی داشته‌اند. همچنین بر اساس نتایج آزمون‌های آماری، مهارت زندگی همبستگی منفی با میزان فقر دارد. یعنی با افزایش میزان مهارت زندگی، از میزان فقر مددجویان کاسته می‌شود.

همچنین مهارت زندگی همبستگی منفی با متغیرهای سن، فرهنگ فقر و تجربه بحران و همبستگی مثبت با متغیرهای وضع تحصیلات، هوش اقتصادی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی دارد. در واقع نتایج آزمون رگرسیون خطی مهارت زندگی نشان می‌دهد که سن، فرهنگ فقر و تجربه بحران تأثیر کاهشی در میزان مهارت زندگی و وضع تحصیلات، هوش اقتصادی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی تأثیرات افزایشی در تعیین میزان مهارت زندگی دارند. به عبارتی با بالا رفتن سن، میزان تأثیر فرهنگ فقر و بالا رفتن میزان تأثیر تجربه بحران، میزان مهارت زندگی کاهش و با بالا رفتن میزان تحصیلات، هوش اقتصادی،

سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی، میزان مهارت زندگی افزایش می‌یابد. بیشترین سهم در پیش‌بینی میزان مهارت زندگی را به ترتیب متغیرهای هوش اقتصادی، سرمایه اجتماعی و فرهنگ فقر دارند.

داشتن تجربه بحران یکی از متغیرهایی بود که در مطالعه اکتشافی، به‌عنوان عاملی اثرگذار در ورود و ماندگاری در فقر معرفی شده بود. نتایج حاصل از عملیاتی کردن این متغیر نشان می‌دهد که میانگین متغیر «تجربه بحران» در این پیمایش، برابر با ۳,۶ در طیف صفر تا ۲۲ است که مقدار بسیار پایینی است. چنانچه بیش از ۹۵ درصد از پاسخگویان بر اساس گویه‌های تنظیم شده، حداقل یک تجربه بحران (سطح کم یا خیلی کم) داشته‌اند. افراد در گروه سنی ۴۱ تا ۶۵ سال و افراد بدون همسر بر اثر طلاق، فوت یا متارکه بیشتر از سایر گروه‌ها تأثیرپذیری از تجربه بحران داشته‌اند.

همچنین بر اساس نتایج آزمون‌های آماری، تجربه بحران همبستگی مثبت با میزان فقر دارد. یعنی با افزایش میزان تأثیرپذیری از تجربه بحران، میزان فقر مددجویان افزایش می‌یابد. همچنین تجربه بحران همبستگی منفی با متغیرهای وضع تحصیلات و مهارت زندگی و همبستگی مثبت با متغیرهای بعد خانوار، سرمایه فرهنگی و عوامل نهادی دارد. در واقع نتایج آزمون رگرسیون خطی تجربه بحران نشان می‌دهد که میزان تحصیلات و مهارت زندگی تأثیر کاهشی در میزان تأثیر بحران و بعد خانوار، سرمایه فرهنگی و تأثیرپذیری از عوامل نهادی، تأثیرات افزایشی در تعیین میزان تأثیر تجربه بحران بر مددجویان دارند. به‌عبارتی با بالا رفتن میزان تحصیلات و مهارت زندگی، میزان تأثیرپذیری از تجربه بحران کاهش و با بالا رفتن تعداد افراد خانوار، سرمایه فرهنگی و تأثیرپذیری از عوامل نهادی، میزان تأثیرپذیری از تجربه بحران افراد، افزایش می‌یابد. بیشترین سهم در پیش‌بینی میزان تأثیرپذیری از تجربه بحران را به ترتیب متغیرهای عوامل نهادی و سرمایه فرهنگی دارند.

**هوش اقتصادی** به‌عنوان یک عامل فردی، نقشی تعیین‌کننده در خروج از فقر افراد دارد. در این مطالعه، مطابق یافته‌ها میانگین هوش اقتصادی بین پاسخگویان، ۲۷,۹ در طیف ۱۱ تا ۵۵ بوده است که هوش تقریباً متوسطی است. چنانچه حدود نیمی از پاسخگویان هوش اقتصادی کم یا خیلی کم داشته‌اند. بر این اساس، گروه سنی ۲۱ تا ۴۰ سال، افراد مجرد، افراد با تحصیلات دانشگاهی و افراد شاغل، هوش اقتصادی بالاتری نسبت به سایر افراد داشته‌اند.



همچنین بر اساس نتایج آزمون‌های آماری، هوش اقتصادی همبستگی منفی با میزان فقر دارد. یعنی با افزایش میزان هوش اقتصادی، میزان فقر پاسخگویان کاهش می‌یابد. همچنین هوش اقتصادی همبستگی منفی با متغیرهای جنسیت، سن و فرهنگ فقر و همبستگی مثبت با متغیرهای مهارت زندگی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و خروج از پوشش کمیته امداد دارد. در واقع نتایج آزمون رگرسیون خطی هوش اقتصادی نشان می‌دهد که مردان هوش اقتصادی کمتری نسبت به زنان داشته و با بالا رفتن سن و میزان فرهنگ فقر، میزان هوش اقتصادی کمتر می‌شود. همچنین با افزایش مهارت زندگی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و خروج از پوشش کمیته امداد، میزان هوش اقتصادی افزایش می‌یابد. بیشترین سهم در پیش‌بینی میزان هوش اقتصادی را به ترتیب متغیرهای فرهنگ فقر، مهارت زندگی و سرمایه اجتماعی دارند.

طبق یافته‌های این پیمایش، در میان عوامل ساختاری، فرهنگ فقر، میانگین میزان تأثیرپذیری از فرهنگ فقر در میان پاسخگویان، ۳۴٫۵ در طیف ۱۴ تا ۷۰ است. بر اساس یافته‌های این پیمایش، بیش از سه چهارم پاسخگویان میزان تأثیرپذیری از فرهنگ فقر خود را در حد کم یا خیلی کم اعلام کرده‌اند. گروه سنی ۴۱ تا ۶۰ سال، افراد بدون همسر بر اثر طلاق؛ فوت یا متارکه، افراد بی‌سواد بیشتر از سایر گروه‌ها و افراد شاغل کمتر از سایر گروه‌ها تحت تأثیر فرهنگ فقر قرار گرفته‌اند.

همچنین بر اساس نتایج آزمون‌های آماری، فرهنگ فقر همبستگی مثبت با میزان فقر دارد. یعنی با افزایش میزان تأثیرپذیری از فرهنگ فقر، میزان فقر پاسخگویان افزایش می‌یابد. همچنین فرهنگ فقر همبستگی منفی با متغیرهای جنسیت، تحصیلات، سابقه عضویت در کمیته امداد، هوش اقتصادی، سرمایه فرهنگی، مهارت زندگی و عوامل نهادی و همبستگی مثبت با متغیرهای سرمایه اجتماعی و سابقه عضویت در کمیته امداد دارد. در واقع نتایج آزمون رگرسیون خطی فرهنگ فقر نشان می‌دهد که مردان نسبت به زنان، بیشتر تحت تأثیر فرهنگ فقر قرار می‌گیرند و با بالا رفتن تحصیلات، سابقه عضویت در کمیته امداد، هوش اقتصادی، سرمایه فرهنگی، مهارت زندگی و عوامل نهادی، میزان فرهنگ فقر، کمتر می‌شود. همچنین با افزایش سرمایه اجتماعی و سابقه عضویت در کمیته امداد، میزان تأثیرپذیری فرهنگ فقر افزایش می‌یابد. بیشترین سهم در پیش‌بینی میزان فرهنگ فقر را به ترتیب متغیرهای هوش اقتصادی، تحصیلات و سرمایه فرهنگی دارند. در راستای فهم اثرات و نقش سایر سازمان‌ها و نهادهای حمایت‌گر و پوشش‌دهنده

فقر، سنجه «عوامل نهادی» طراحی گردید که طبق یافته‌های این پیمایش میانگین این شاخص در میان مددجویان کمیته امداد ۱۲,۲۴ در طیف صفر تا ۲۵۵ است. بر این اساس، اکثر مددجویان کمیته امداد، کمک‌های بسیار کمی از سایر نهادها و سازمان‌های حمایت‌گر دریافت کرده و تأثیرپذیری بسیار پایینی از عوامل نهادی در کاهش فقر خود داشته‌اند.

همچنین بر اساس نتایج آزمون‌های آماری، عوامل نهادی همبستگی منفی با میزان فقر دارد. یعنی با افزایش میزان تأثیرپذیری از عوامل نهادی، میزان فقر پاسخگویان کاهش می‌یابد. همچنین عوامل نهادی همبستگی منفی با متغیر فرهنگ فقر و همبستگی مثبت با متغیرهای سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و تجربه بحران دارد. در واقع نتایج آزمون رگرسیون خطی عوامل نهادی نشان می‌دهد که با افزایش میزان تأثیرپذیری از فرهنگ فقر، میزان تأثیرپذیری از عوامل نهادی کمتر می‌شود. همچنین با افزایش سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و تجربه بحران، میزان تأثیرپذیری از عوامل نهادی افزایش می‌یابد. بیشترین سهم در پیش‌بینی میزان تأثیرپذیری از عوامل نهادی را به ترتیب متغیرهای تجربه بحران، فرهنگ فقر و سرمایه فرهنگی دارند.

سنجش میزان فقر در این مطالعه که مددجویان کمیته امداد هستند، پیچیدگی‌های خاصی دارد. چرا که، کسانی که تحت پوشش این نهاد حمایتی قرار می‌گیرند، جزو پایین‌ترین دهک‌های اقتصادی هستند. همچنین از لحاظ رتبه‌بندی شاخص فقر، در بین مددجویان کمیته امداد، به دلیل انسجام و همگنی بالا بین جامعه آماری با محدودیت ویژه مواجه می‌شویم. علاوه بر این، سنجش ارزش و میزان دارایی‌هایی که به‌عنوان سنجش‌گر طبقه اقتصادی افراد در نظر گرفته می‌شوند؛ در میان مددجویان، بسیار سخت و با محدودیت مواجه است. چرا که علاوه بر نبود یا کمبود این دارایی‌ها، افراد پاسخگو، به دلیل ترس از دست دادن پوشش حمایتی کمیته امداد، عموماً در اعلام نظر واقعی اکراه داشته و مخفی‌کاری می‌کنند. با این حال طبق یافته‌ها، میانگین میزان فقر در بین پاسخگویان ۶۴۹,۱ در طیف صفر تا ۱۰۰۰ است. بر این اساس ۴۶,۵ درصد از پاسخگویان در دسته بسیار فقیر و ۵۰,۱ درصد از آن‌ها در دسته فقیر قرار دارند که گویای همگنی پاسخگویان در میزان فقر است. با این وجود، زنان، افراد بی‌همسر بر اثر طلاق، فوت یا متارکه، افراد بیسواد و افراد بیکار، بیشتر از سایر گروه‌ها، فقیر هستند.

همچنین بر اساس نتایج آزمون‌های آماری در متغیرهای زمینه‌ای تفاوت میانگین



میزان فقر بین زنان و مردان معنادار بوده و زنان فقیرتر از مردان هستند. در میان عوامل مؤثر بر فقر یا خروج از فقر، تفاوت میانگین متغیرهای سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و تجربه بحران بین زنان و مردان معنادار بوده و زنان سرمایه اجتماعی و تجربه بحران کمتر و سرمایه فرهنگی بیشتری نسبت به مردان دارند.

میانگین میزان فقر بین گروه‌های سنی پاسخگویان، تفاوت داشته و با افزایش سن، میزان فقر پاسخگویان کاهش یافته است. در میان عوامل مؤثر بر فقر یا خروج از فقر، بین گروه‌های مختلف سنی، تفاوت میانگین متغیرهای فرهنگ فقر، هوش اقتصادی، سرمایه فرهنگی، مهارت زندگی و تجربه بحران معنادار بوده و فرهنگ فقر و تجربه بحران با سن رابطه مستقیم داشته و با افزایش سن، تأثیرپذیری از فرهنگ فقر و تجربه بحران بیشتر می‌شود. در مقابل، رابطه هوش اقتصادی، مهارت زندگی و سرمایه فرهنگی با سن معکوس بوده و با افزایش سن میزان این متغیرها کاهش یافته است.

طبق نتایج آزمون‌های آماری، رابطه میزان فقر با تحصیلات، معکوس بوده و با افزایش تحصیلات میزان فقر کاهش پیدا می‌کند. در میان عوامل مؤثر بر فقر یا خروج از فقر، بین گروه‌های مختلف تحصیلی، تفاوت میانگین متغیرهای فرهنگ فقر، هوش اقتصادی، سرمایه اجتماعی و فرهنگی و مهارت زندگی معنادار بوده و با افزایش تحصیلات تأثیرپذیری از فرهنگ فقر کمتر و میزان هوش اقتصادی، سرمایه اجتماعی و فرهنگی و مهارت زندگی بیشتر می‌شود.

بررسی رابطه بین وضعیت تأهل و میزان فقر نشان می‌دهد که میانگین میزان فقر بین افراد بی‌همسر بر اثر طلاق، فوت یا متارکه بیشتر از سایر افراد است. در میان عوامل مؤثر بر فقر یا خروج از فقر، بین گروه‌های مختلف وضعیت تأهل، تفاوت میانگین همه متغیرهای مورد بررسی معنادار بوده و افراد مجرد بیشتر از سایر گروه‌ها دارای هوش اقتصادی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و مهارت زندگی هستند و کمتر از سایر گروه‌ها تحت تأثیر فرهنگ فقر، تجربه بحران و عوامل نهادی بوده‌اند.

همچنین یافته‌های آماری نشان می‌دهد که میانگین میزان فقر در افراد شاغل کمتر از سایر گروه‌های فعالیت است. در میان عوامل مؤثر بر فقر یا خروج از فقر، بین گروه‌های مختلف وضعیت فعالیت، تفاوت میانگین متغیرهای فرهنگ فقر، هوش اقتصادی، سرمایه فرهنگی، مهارت زندگی، تجربه بحران و عوامل نهادی معنادار است. میزان تأثیرپذیری از فرهنگ فقر و تجربه بحران در میان افراد شاغل کمتر از سایر گروه‌های فعالیت و میزان

هوش اقتصادی، سرمایه فرهنگی و مهارت زندگی افراد شاغل بیشتر از سایر گروه‌هاست. بر این اساس تأثیرپذیری از عوامل نهادی در میان افراد بیکار بیشتر از سایر گروه‌های فعالیت است. چنانچه دیده می‌شود، اشتغال علاوه بر کاهش فقر، عامل مهمی در افزایش متغیرهای اثرگذار در کاهش میزان فقر نیز است.

در تحلیل برازش مدل مفهومی در این پژوهش، از دو روش تحلیل اکتشافی (تحلیل رگرسیون) و تحلیل عامل تأییدی و مدل معادلات ساختاری SEM استفاده شده است. در بخش تحلیل اکتشافی، نتایج تحلیل رگرسیون خطی میزان فقر نشان می‌دهد که سن سرپرست خانوار، جنس، بعد خانوار، تحصیلات، سابقه عضویت در کمیته امداد، داشتن تجربه بحران، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی میزان فقر پاسخگویان را پیش‌بینی کرده و در این میان بعد خانوار، تحصیلات، جنس و سن سرپرست خانوار، به ترتیب تأثیر بیشتری در تعیین میزان فقر افراد دارند.

در بررسی میزان اثرگذاری عوامل مختلف (فردی، ساختاری و زمینه‌ای) بر میزان فقر به تفکیک متغیرهای مختلف، نتایج آزمون رگرسیون خطی نشان می‌دهد در میان مردان، بعد خانوار، سابقه عضویت در کمیته امداد و متغیرهای سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی میزان فقر مردان را پیش‌بینی می‌کنند و همبستگی با میزان فقر مردان، منفی بوده و با بالا رفتن تعداد افراد خانوار، سابقه عضویت در کمیته امداد، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی میزان فقر کاهش پیدا می‌کند. در حالی که در میان زنان، میزان فقر بر اساس بعد خانوار، تحصیلات، سن، سرمایه فرهنگی و تجربه بحران قابل پیش‌بینی است و همبستگی بین متغیرهای بعد خانوار، تحصیلات، سن و سرمایه فرهنگی با میزان فقر منفی و همبستگی با تجربه بحران مثبت است.

در میان گروه سنی ۱۵ تا ۲۰ سال، بعد خانوار، سابقه عضویت در کمیته امداد و سرمایه فرهنگی میزان فقر این گروه سنی را پیش‌بینی کرده و رابطه معکوس با میزان فقر جوانان عضو کمیته امداد دارند. یعنی با افزایش بعد خانوار، سابقه عضویت در کمیته امداد و سرمایه فرهنگی، میزان فقر این گروه کاهش می‌یابد. در گروه سنی ۲۱ تا ۴۰ سال، بعد خانوار، میزان تحصیلات، جنس و سن سرپرست خانوار و فرهنگ فقر خط تعیین‌کننده میزان فقر را تشکیل می‌دهند. این در حالی است که در گروه سنی ۴۱ تا ۶۵ سال، خط پیش‌بینی میزان فقر بر اساس متغیرهای بعد خانوار، تحصیلات، سن و سرمایه اجتماعی تعیین می‌گردد.



نتایج آزمون رگرسیون نشان می‌دهد که در میان کسانی که از پوشش کمیته امداد خارج شده‌اند؛ متغیرهای سن و جنس سرپرست خانوار و میزان هوش اقتصادی، میزان فقر این گروه از پاسخگویان را پیش‌بینی می‌کنند. یعنی با تغییر جنسیت از زن به مرد و افزایش سن و میزان هوش اقتصادی، میزان فقر افراد کاهش می‌یابد. این در حالی است که در میان کسانی که هنوز تحت پوشش کمیته امداد هستند؛ بعد خانوار، جنس، سن، تحصیلات و میزان سرمایه اجتماعی، میزان فقر این گروه را پیش‌بینی می‌کنند و با تغییر جنسیت افراد از زن به مرد و افزایش سن، تحصیلات و میزان سرمایه اجتماعی، میزان فقر این افراد کاهش می‌یابد.

در بخش تحلیل عامل تأییدی برای سنجش برازش مدل، بر اساس یافته‌های حاصل از خروجی مدل ساختاری، مدل مفهومی پیشنهادی پژوهش به میزان بالایی تأیید شده است. به عبارتی تمام متغیرهای پیش‌فرض مطالعه، عامل مؤثری در ورود به چرخه فقر یا خروج از آن شناخته شده‌اند. در عین حال، در بین متغیرهای مورد بررسی، ابعاد اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی در متغیر سرمایه اجتماعی؛ مهارت‌های فنی - تخصصی در متغیر سرمایه فرهنگی؛ ابعاد هدف‌مندی و مهارت‌های حرفه‌ای در متغیر مهارت زندگی؛ ابعاد ریسک‌پذیری، هدف‌مندی و آینده‌نگری در متغیر هوش اقتصادی؛ بعد حوادث غیرطبیعی در متغیر تجربه بحران؛ بعد سازمان‌های اجرایی در متغیر عوامل نهادی؛ ابعاد تقدیرگرایی، ریسک‌ناپذیری، میل به پیشرفت و نگرش به فقر در متغیر فرهنگ فقر و درآمد و پس‌انداز در متغیر فقر نقش مستقیم و مؤثری داشته‌اند.

همچنین متغیرهای سرمایه فرهنگی، مهارت‌های زندگی، عوامل نهادی و فرهنگ فقر با دو شاخص درآمد و پس‌انداز خانوار از شاخص میزان فقر رابطه غیرمستقیمی داشته‌اند. در بررسی روابط تقاطعی متغیرها برای تعیین میزان اثر (وزن) هر متغیر بر میزان فقر، بر اساس نتایج آزمون رگرسیون نشان می‌دهد که جنسیت مددجویان در میان گروه سنی ۲۱-۴۰ سال، مددجویان بیکار، مددجویان در حال حاضر تحت پوشش، مددجویانی که از پوشش حمایتی خارج شده‌اند و افرادی که وام کمیته امداد را گرفته‌اند و کسانی که آموزش‌هایی از کمیته امداد دریافت کرده‌اند؛ عاملی مؤثر در تعیین میزان فقر افراد است. چنانچه در همه این گروه‌ها مردان میزان فقر کمتری داشته‌اند. بر این اساس، متغیر جنسیت در بین کسانی که از پوشش کمیته امداد خارج شده‌اند و یا از آموزش اشتغال کمیته امداد استفاده کرده‌اند، وزن بیشتری نسبت به سایر گروه‌ها داشته است. به عبارتی

با تغییر جنسیت از زنان به مردان، میزان فقر در میان این گروه‌ها به مقدار بالاتری کاهش می‌یابد.

تحصیلات در میان زنان، گروه سنی ۲۱ تا ۶۵ سال، افراد تحت پوشش کمیته امداد، خانوارهای ۲ تا ۴ نفره، افراد متأهل، افراد بی‌همسر، افراد شاغل، کسانی که وام دریافت کرده‌اند، کسانی که وام دریافت نکرده‌اند، کسانی که آموزش‌های کمیته امداد را دریافت کرده‌اند و کسانی که آموزش‌های کمیته امداد را دریافت نکرده‌اند، عاملی مؤثر در تعیین میزان فقر با اثر معکوس است. به عبارتی با افزایش تحصیلات در این گروه‌ها، میزان فقر کاهش می‌یابد. از گروه‌های مذکور، وزن تحصیلات در میان افراد بدون همسر بر اثر فوت یا طلاق و خانوارهای دو نفره بیشتر از سایر گروه‌ها است. بدین ترتیب با افزایش تحصیلات، میزان فقر در میان این گروه‌ها، به میزان زیادتری کاهش می‌یابد.

بعد خانوار در میان گروه‌های مردان و زنان، همه گروه‌های سنی، خانواده‌های تحت پوشش، همه گروه‌های وضعیت تأهل، همه گروه‌های فعالیت و کسانی که از وام یا آموزش‌های کمیته امداد استفاده کرده‌اند، عامل مؤثر در کاهش فقر بوده است. به عبارتی با افزایش تعداد افراد خانوار، میزان فقر آن‌ها کاهش پیدا کرده است. با این در میان این گروه‌ها، بعد خانوار در میان افراد بدون همسر بر اثر متارکه و مجردها وزن بیشتری نسبت به سایر گروه‌ها داشته است.

سن سرپرست خانوار در میان زنان، گروه سنی ۲۱ تا ۶۵ سال، در میان هر دو گروه تحت پوشش کمیته امداد و خارج از تحت پوشش کمیته امداد، خانوارهای دو نفره به بالا، افراد متأهل و بی‌همسر بر اثر طلاق و فوت، افراد بیکار، افرادی که وام کمیته امداد دریافت کرده‌اند و افرادی که از آموزش کمیته امداد استفاده نکرده‌اند؛ عاملی اثرگذار در تعیین میزان فقر پاسخگویان بوده است. در میان این گروه‌ها، سن سرپرست خانوار، در میان کسانی که از آموزش استفاده نکرده‌اند و کسانی که از پوشش کمیته امداد خارج شده‌اند؛ وزن بالاتری داشته است. به عبارتی با افزایش سن سرپرست خانوار، میزان فقر به میزان بالاتری در این گروه‌های کاهش داشته است.

سابقه عضویت در کمیته امداد، در میان مردان، گروه سنی ۱۵ تا ۲۰ سال، خانوارهای ۳ و ۴ نفره، افراد شاغل، افرادی که هیچ وامی از کمیته امداد دریافت نکرده‌اند و افرادی که از آموزش‌های کمیته امداد استفاده نکرده‌اند؛ به عنوان عاملی اثرگذار در تعیین میزان فقر شناخته شده‌اند. در بین این گروه‌ها، وزن سابقه عضویت در کمیته امداد، در میان





جوانان ۱۵ تا ۲۱ ساله و افرادی که از آموزش اشتغال کمیته امداد استفاده کرده‌اند؛ در تعیین میزان فقر بالاتر از سایر گروه‌ها بوده است. یعنی با بالا رفتن سابقه عضویت در کمیته امداد، میزان فقر در میان این افراد کمتر شده است.

از بین عوامل ساختاری، فرهنگ فقر در میان گروه سنی ۲۱ تا ۴۰ سال، خانوارهای بالای ۴ نفر، افراد بدون همسر بر اثر متارکه و افراد بازنشسته عامل مؤثر در تعیین میزان فقر افراد بوده است. از بین این گروه‌ها، وزن فرهنگ فقر در تعیین میزان فقر افراد بازنشسته و افراد بدون همسر بر اثر متارکه، بیشتر از سایر گروه‌ها بوده است. به عبارتی با افزایش تأثیرپذیری از فرهنگ فقر، میزان فقر این گروه‌ها افزایش بیشتری داشته است. همچنین عوامل نهادی در بین گروه‌های خانوارهای بالای چهار نفر و تجربه بحران در میان زنان، خانوارهای تک‌نفره و افرادی که از آموزش‌های کمیته امداد استفاده کرده‌اند؛ در تعیین میزان فقر مؤثر بوده‌اند. در واقع در میان این گروه‌ها با افزایش میزان تأثیرپذیری از عوامل نهادی و یا تجربه بحران، میزان فقر افراد نیز بیشتر شده است.

در عوامل فردی نیز، سرمایه فرهنگی برای تعیین میزان فقر مردان و زنان، گروه سنی ۱۵ تا ۲۱ سال، خانوارهای تک‌نفره، افراد مجرد، افرادی که از وام یا آموزش‌های کمیته امداد استفاده نکرده‌اند؛ مؤثر بوده‌اند. وزن سرمایه فرهنگی در تعیین میزان فقر مردان و جوانان ۱۵ تا ۲۱ ساله بیشتر از سایر گروه‌های مذکور بوده است. در واقع با افزایش میزان سرمایه فرهنگی در این گروه‌ها، میزان فقر کاهش داشته است.

سرمایه اجتماعی، برای تعیین میزان فقر، برای مردان، گروه سنی ۴۱ تا ۶۵ سال، افرادی که در حال حاضر تحت پوشش کمیته امداد هستند، خانوارهای بالای دو نفر، افراد متأهل، افراد بی‌همسر بر اثر طلاق، افراد خانه‌دار، محصل، بازنشسته، کسانی که وام کمیته امداد استفاده کرده و یا کسانی که از آموزش‌های کمیته امداد استفاده نکرده‌اند، تأثیر منفی داشته است. وزن سرمایه اجتماعی در تعیین میزان فقر دانشجویان یا دانش‌آموزان و یا افراد بازنشسته بیشتر از سایر گروه‌ها بوده است. به عبارتی با افزایش میزان سرمایه اجتماعی در میان گروه‌های مذکور، میزان فقر تا حدودی کاهش یافته است.

هوش اقتصادی در بین افرادی که از تحت پوشش کمیته امداد خارج شده‌اند، خانوارهای ۳ تا ۴ نفره، افراد بدون همسر بر اثر فوت، افرادی که از آموزش اشتغال کمیته امداد استفاده کرده‌اند و کسانی که از وام کمیته امداد استفاده کرده‌اند؛ عاملی مؤثر در کاهش میزان فقر بوده و در بین این گروه‌ها وزن هوش اقتصادی برای کاهش میزان فقر

در بین کسانی که از پوشش حمایتی کمیته امداد خارج شده‌اند بیشتر از سایر گروه‌ها بوده است

### نتیجه‌گیری

پیشنهادها در راستای توانمندسازی، سرمایه‌گذاری در آموزش و بهبود شرایط اقتصادی روستاییان، ظرفیت‌سازمانی محلی، ایجاد انگیزه در افراد بسیار فقیر جامعه، تثبیت اقتصاد کلان، تأسیس مؤسسات مالی خرد و سرمایه‌گذاری با هدف تأمین بودجه برای ایجاد مشاغل، اصلاحات نظارتی، خصوصی‌سازی، اصلاحات خدمات ملکی، آزادسازی تجارت و باز بودن اقتصاد، کنترل فرزندآوری در جامعه فقیران، توجه به اهمیت کار زنان، زمینه ایجاد مشاغل خانگی و مشاغلی که نیاز به مهارت‌چندانی ندارد، ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای متناسب با نیاز بازار کار به افراد بیکار فاقد مهارت، ارائه خدمات آموزشی و مشاوره‌ای متناسب با مشکلات خانواده‌های فقیر، کمک به امر ازدواج جوانان و زنان فقیر بی‌سرپرست، ارائه آسان تسهیلات اشتغال‌زایی به‌صورت بلندمدت و کم‌بهره، راهبری شغلی و کمک به پایدارسازی کسب و کارهای خانواده‌های فقیر، کاریابی برای افراد فقیر به‌ویژه افراد تحصیل‌کرده، کمک به ادامه تحصیل فرزندان خانواده‌های فقیر، کمک به ترک اعتیاد افراد معتاد، توسعه بیمه‌های اجتماعی به‌ویژه بیمه‌های بازنشستگی و حوادث، کمک به درمان بیماران در خانواده‌های فقیر، تأمین مسکن ارزان‌قیمت یا اجاره به شرط تملیک جهت بی‌سرپناهان است؛ اما در عین حال برای رسیدن به اهداف مطالعه و رسیدن به یک نظام کاربردی که مختص جامعه مورد مطالعه باشد؛ پیشنهاداتی بر مبنای شاخص‌های مورد مطالعه داده می‌شود. بدین ترتیب، پیشنهادها بر مبنای سه دسته عوامل زمینه‌ای، ساختاری و فردی تنظیم شده است.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت: متغیرهای زمینه‌ای، تأثیر بالاتری در تعیین میزان فقر مددجویان دارد. در واقع بیشترین وزن تعیین میزان فقر مددجویان به ترتیب، مربوط به ویژگی‌های زمینه‌ای یعنی جنسیت، تحصیلات، بعد خانوار و سن، است. نکته حائز اهمیت در این یافته این است که برای تغییر وضعیت اقتصادی و خروج از فقر، تغییر شرایط زمینه‌ای مددجویان، جزو ملزومات جدی است. اگرچه جامعه آماری این مطالعه مربوط به طبقه اقتصادی پایین جامعه بوده و بیرون کشیدن ناهمگنی‌ها و جزئیاتی که باعث تغییر در میزان فقر افراد بشود؛ چندان ساده نیست، اما در همین جامعه آماری همگن و



یکدست نیز، مشاهده می‌شود که متغیرهایی که در مطالعات زیادی عامل فقر یا خروج از فقر شناخته می‌شوند؛ در این مطالعه نیز اثرات قوی در تعیین وضعیت اقتصادی آن‌ها دارد. زنان به جهت ویژگی‌های خاص فرهنگی، اجتماعی و به‌طور کلی ساختاری نظام اجتماعی، در دسترسی به منابع قدرت اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... امکان کمتری برای تحرک اجتماعی و اقتصادی دارند. از همین رو یافته‌های این پژوهش نیز تأکیدی دوباره بر حمایت از زنان و یا به‌عبارت بهتر تبعیض مثبت نسبت به زنان، برای خروج از فقر دارد. این نکته (توجه ویژه به زنان) در این مطالعه، از اهمیت ویژه‌تری برخوردار است. چرا که بر اساس نتایج، تعداد مددجویان زن بسیار بالاتر از مردان بوده و در سایر ویژگی‌های زمینه‌ای از جمله وضعیت تأهل (بی‌همسری بر اثر فوت، طلاق یا متارکه)، وضعیت فعالیت (بیکاری یا خانه‌داری)، تحصیلات (بیسواد یا تحصیلات زیر دیپلم)، بعد خانوار (تک‌نفره) تعداد زنان بسیار بیشتر از مردان مددجوی کمیته امداد است. بر این اساس، با وجود آن‌که، سعی می‌شود تحلیل‌ها و پیشنهادات قابل اجرا و تعمیم برای همه مددجویان باشد؛ در عین حال با عنایت به این ویژگی‌های خاص جامعه مورد مطالعه، الزاماً هر پیشنهاد یا سیاستی در راستای کاهش یا خروج از فقر مددجویان کمیته امداد، به‌سوی زنانه‌شدن آن سیاست یا پیشنهاد کشیده می‌شود. به‌عبارتی سیاست‌های اجرایی کمیته امداد برای کاهش فقر یا خروج از فقر مددجویان، ضمن داشتن کارکرد برای همه گروه‌ها، می‌بایست تأکید و توجه ویژه به زنان مددجو بر مبنای ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، روانی، بیولوژیکی و ... آنان داشته باشد.

در خصوص تحصیلات، آن‌چنان که یافته‌های این مطالعه نیز بر آن صحنه می‌گذارد، بالا رفتن تحصیلات امکان خروج از فقر را تسهیل می‌کند. این یافته از آن جهت حائز اهمیت است که آموزش در میان مددجویان کمیته امداد نه به‌صورت مقطعی و در یک شرایط یا حوزه خاص، که به‌صورت فرایندی و هدف‌محور، در کنار حمایت از بالا رفتن میزان تحصیلات (خود مددجو و افراد تحت پوشش او) می‌تواند روند خروج از فقر را با سرعت بیشتری تسهیل و تأمین کند.

سن و بعد خانوار، به‌عنوان یک عامل زمینه‌ای دیگر، در این مطالعه اهمیت ویژه‌ای داشته‌اند. میزان فقر افراد مسن‌تر و افرادی با بعد خانوار بزرگ‌تر در میان مددجویان کمیته امداد، کمتر است. بر اساس یافته‌ها می‌توان گفت؛ با بالا رفتن سن، میزان پس‌انداز و امکان برخورداری از دارایی‌هایی همچون خودرو، زمین، مسکن و ... بیشتر شده است.

همچنین افراد این گروه سنی، امکان برخورداری از حمایت‌های دیگر، (حمایت نهادی و فردی) به جهت برخورداری از میزان بالای سرمایه اجتماعی بیشتری داشته‌اند. از سویی مددجویانی که در سنین بالاتر، تحت پوشش کمیته امداد هستند، از حمایت‌های اقتصادی و اجتماعی خانواده، دوستان و آشنایان و سایر نهادها نیز برخوردارند که هر کدام از این عوامل می‌تواند در پایین دیده شده میزان فقر این افراد در سنین بالاتر مؤثر باشد. در خصوص بعد خانوار نیز، به جهت بالا رفتن تعداد کسانی که در یک خانواده امکان اشتغال و درآمد دارند و یا امکان استفاده از میزان بالاتری از حمایت‌های پوششی، همچون یارانه و مستمری دارند؛ میزان عایدی یک خانواده نیز افزایش می‌یابد. همچنین با بالا رفتن بعد خانوار، امکان وجود اعضای جوان‌تر در خانواده و به تبع آن امکان اشتغال در مشاغل خاص با درآمد بالاتر نسبت به افراد مسن‌تر و همچنین امکان وجود اعضای با تحصیلات بالاتر و به تبع آن امکان اشتغال و ارتقای اجتماعی نیز بالا می‌رود که همین عوامل باعث می‌شود؛ در این مطالعه بعد خانوار در کاهش میزان فقر تأثیر قابل توجهی داشته باشد.

در یک نگاه کلی تر نسبت به عوامل زمینه‌ای با توجه به در هم آمیختگی هر کدام از متغیرها با متغیرهای دیگر، تحلیل‌های متناسب با هر گروه و سیاست‌های متناسب با هر گروه باید مد نظر گرفته شود. بر این اساس، از آنجایی که غالب مددجویان کمیته امداد را زنان تشکیل می‌دهند (بیش از دوسوم)، حدود یک‌چهارم از مددجویان بیسواد هستند، بیش از ۹۰ درصد مددجویان بی‌همسر، زنان بوده‌اند، غالب مددجویان بیکار و خانه‌دار بوده‌اند، بیش از یک‌سوم مددجویان به دلیل از کار افتادگی و بیماری سرپرست به عضویت کمیته امداد درآمده‌اند؛ بنا بر اثرگذاری مثبت و قوی تحصیلات و آموزش در کاهش فقر پیشنهاد می‌شود؛ بحث آموزش و حمایت از تحصیلات مددجویان و اعضای خانواده آن‌ها، خصوصاً با جدیت و برنامه‌ریزی ساختاری مورد توجه قرار گیرد. به این معنا که آموزش‌های نهاد حمایتی همچون کمیته امداد، صرفاً متکی بر یک سری آموزش‌های مقطعی و خاص که عموماً در محدوده زمانی خاصی (که با تغییر سیاست‌های مقطعی متغیر هستند) نباشد. بلکه با یک برنامه مدون و طولانی مدت، برای مددجویان آموزش‌های فرایندمحور (از آموزش تا پشتیبانی و اشتغال در نظر گرفته شود). بر اساس عوامل ساختاری و تأثیر بالاتر فرهنگ فقر نسبت به سایر عوامل مورد بررسی، پیشنهاد می‌شود؛ اجرای برنامه‌های فرهنگی، انگیزشی در راستای آشنایی‌زدایی



از سبک زندگی تقدیرگرایانه، در کنار ترغیب و آشنا کردن با سبک زندگی آینده‌نگرانه و معرفی کارهایی که نیاز به ریسک‌پذیری دارند؛ در جهت بالا بردن میل به پیشرفت و آسایش بیشتر پیشنهاد می‌شود. برنامه‌هایی هم‌چون جلسات گفت‌و شنود با کارآفرینان موفق، جلسات تعامل با افراد توان‌یابی که در حوزه خاصی موفق بوده‌اند، پخش فیلم‌هایی با موضوع عبور از فرهنگ فقر برای فرزندان و خانواده مددجویان، از جمله کارهای فرهنگی پیشنهادی می‌تواند باشد. اما در کنار چنین کارهای فرهنگی، نیاز به مشاوره، پشتیبانی و اجرای پروژه‌هایی با حمایت خود کمیته امداد برای مددجویان است که در عمل نیز با ریسک‌پذیری، هدفمندی و آینده‌نگری مواجه شوند.

با توجه به تأثیر تجربه بحران که طبق یافته‌های تحلیل مدل معادلات ساختاری، تجربه بحران‌های غیرطبیعی (طلاق، خودکشی، بیماری، فوت و ...) اثر معنادار قوی‌تری داشته است برای خانوارهای تک‌نفره که عموماً زن هستند، پیشنهاد می‌شود با نهادهای دیگر، پایگاه داده مشترک برای شناسایی چنین افرادی ایجاد شود تا بر این اساس، این گروه از افراد از حمایت و پشتیبانی در حوزه‌های مختلف برخوردار شوند. به‌طور مثال، حمایت، پشتیبانی، آموزش و ... این افراد تنها محدود به کمیته امداد نشود. بلکه نهادها یا سازمان‌هایی همچون وزارت ورزش و جوانان (برای اشتغال و توانمندسازی)، بهزیستی (حمایت‌های روان‌شناختی - اجتماعی - رفاهی خصوصاً در سنین بالاتر یا برای افراد با ویژگی خاص جسمانی)، وزارت بهداشت (برای امور درمانی)، نهادهای آموزشی (پیگیری آموزش و یادگیری مهارت‌های تخصصی) برای عبور از بحران این افراد وارد عمل شده و برنامه‌های همه این نهادها با یک هدف واحد، بلندمدت، شفاف و مشخص به‌صورت شبکه‌ای باشد که در غیر این صورت، موازی کاری یا تقابل برنامه هر کدام از این نهادها و نبود هدف بلندمدت و بی‌برنامه‌گیری در نهایت منجر به ماندن در همان وضعیت قبلی (چرخه فقر) می‌شود.

خاطر نشان می‌شود، اهمیت شبکه‌ای عمل کردن و داشتن مرکز داده واحد برای نهادهای حمایتی، در این مطالعه به‌وضوح مشخص شده است. چنانچه بر اساس تأثیرپذیری از عوامل نهادی، در کاهش فقر مددجویان کاملاً مشهود بوده است.

در همین راستا، پیشنهاد می‌شود از افراد موفق، خصوصاً زنانی که تجربه عبور موفق از چنین بحران‌هایی داشته‌اند در جلساتی که به‌صورت فوکوس گروپ برگزار می‌شود، دعوت شود تا در تعامل مستقیم با مددجویانی که به‌واسطه داشتن این تجربه بحران، وارد



چرخه فقر شده‌اند قرار بگیرند. تا از طریق همین تعامل مستقیم، به یافتن راه‌های عملی عبور از بحران به همدیگر کمک کنند.

پیشنهادات زیر به صورت راهکارهای عملی برای خروج فقر مددجویان در سه گروه سنی مورد بررسی، به صورت زیر ارائه شد:

#### ◆ گروه سنی ۱۵ تا ۲۰ سال

##### پیشنهادات در حوزه آموزش

- ◇ پشتیبانی از ادامه تحصیلات رسمی افراد تحت پوشش؛
- ◇ ارزیابی و شناسایی برنامه‌های آموزشی با هدف تقویت روحیه کار جمعی، مشارکت اجتماعی و ...؛
- ◇ اجرای دوره‌های آموزشی مهارت‌افزایی فنی و تخصصی مبتنی بر نیاز بازار؛
- ◇ اجرای دوره‌های آموزشی تاب‌آوری اجتماعی و مهارت‌های زندگی.

##### پیشنهادات در حوزه اشتغال

- ◇ اجرای دوره‌های آموزشی مهارت‌افزایی فنی و تخصصی مبتنی بر نیاز بازار و سند توسعه اشتغال استان‌ها؛
- ◇ تغییر تمرکز از اعطای مستمری ماهانه به مددجویان جوان‌تر به وام‌های منجر به اشتغال؛
- ◇ ایجاد تفاهم‌نامه مشترک بین نهادهای آموزشی (مانند سازمان فنی و حرفه‌ای یا دانشگاه علمی و کاربردی) و صنعت و نهادهای دولتی برای آموزش‌های منجر به اشتغال؛
- ◇ حمایت از کارفرمایان برای به خدمت گرفتن نیروی مددجویان آموزش دیده با اعطای تخفیف حق بیمه و معافیت مالیاتی به کارفرمایان در جهت تشویق به کار گرفتن مددجویان جوان کم‌توان (استفاده از ظرفیت‌های برنامه هفتم)؛
- ◇ تداوم طرح معافیت سربازی مددجویان.

##### پیشنهادات در حوزه صنعت فرهنگ

- ◇ تهیه و اجرای برنامه‌های فرهنگی (تهیه فیلم، اجرای نمایش، نگارش کتاب و ...) با اهداف آموزشی-انگیزشی در راستای ایجاد انگیزه و تشویق به آینده‌نگری، ریسک‌پذیری، هدفمندی؛
- ◇ تهیه و پخش فیلم از موفقیت مددجویان موفق در خروج از پوشش کم‌توان؛



- ◇ تهیه فیلم مستند از کارآفرینان موفق که محدودیت یا بحرانی در زندگی داشته‌اند؛
- ◇ برگزاری مکان رویدادهای محلی و ملی با هدف ارتقا شبکه ارتباطات و سرمایه اجتماعی افراد تحت پوشش؛
- ◇ مشاوره، پشتیبانی و اجرای پروژه‌هایی با حمایت کمیته امداد برای مددجویان برای مواجهه عملیاتی با ریسک‌پذیری، هدفمندی و آینده‌نگری.

#### پیشنهادات در حوزه ازدواج

- ◇ تسهیل شرایط ازدواج و در نظر گرفتن مشوق‌های مادی و غیرمادی برای ازدواج مددجویان مجرد یا بی‌همسر بر اثر فوت یا طلاق.
- ◇ تسهیل شرایط ازدواج و ایجاد مشوق‌های مادی و غیرمادی برای ازدواج اعضای خانواده مددجویان.

#### ◆ گروه سنی ۲۱ تا ۴۰ سال

#### پیشنهادات در حوزه آموزش

- ◇ اجرای دوره‌های آموزش‌های فنی و تخصصی برای مددجویان مبتنی بر توانمندی جسمانی، روانی و بر اساس نیاز بازار، علاقه و استعداد مددجو؛
- ◇ اجرای دوره‌های آموزشی مهارت‌افزایی فنی و تخصصی مبتنی بر نیاز بازار و اسناد توسعه اشتغال؛
- ◇ شناسایی برنامه‌های آموزشی که به میزان بالاتری منجر به بهبود شرایط زندگی مددجویان شده است؛
- ◇ اجرای برنامه‌های آموزشی در راستای افزایش میزان مهارت زندگی و بالا بردن تاب‌آوری در مقابله با تجارب بحرانی.

#### پیشنهادات در حوزه اشتغال

- ◇ اعطای وام ایجاد اشتغال همراه با مشاوره فنی و تخصصی، همراهی و پایش مددجو جهت استفاده بهینه از وام اعطایی و ایجاد اشتغال پایدار؛
- ◇ ایجاد تفاهم‌نامه مشترک بین نهادهای آموزشی (مانند سازمان فنی و حرفه‌ای یا دانشگاه علمی و کاربردی) و صنعت و نهادهای دولتی برای آموزش‌های منجر به اشتغال و حمایت از کارفرمایان برای به خدمت گرفتن نیروی مددجویان آموزش‌دیده با اعطای تخفیف حق بیمه و معافیت مالیاتی؛



- ◇ معرفی و حمایت از مددجویانی که دارای تحصیلات یا مهارت ویژه فنی و تخصصی هستند به کارفرمایان؛
- ◇ ایجاد شبکه ارتباطی بین مددجویان با یکدیگر و همچنین با افراد دارای تخصص برای هم‌افزایی سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی در راستای اجرای برنامه‌های مشارکتی و اشتغال‌گروهی.

#### پیشنهادات در حوزه صنعت فرهنگ

- ◇ تهیه و اجرای برنامه‌های فرهنگی (تهیه فیلم، اجرای نمایش، نگارش کتاب و...) با اهداف آموزشی-انگیزشی در راستای ایجاد انگیزه و تشویق به آینده‌نگری، ریسک‌پذیری، هدفمندی؛
- ◇ انجام جلسات مشترک گفت‌و شنود با افراد موفق در عبور از بحران و استفاده از تجربیان عینی کسانی که توانسته‌اند با وجود محدودیت‌ها، وضعیت اجتماعی و اقتصادی خود را بهبود دهند؛
- ◇ شناسایی عوامل ترس از خروج از کمیته امداد و تلاش برای رفع آن‌ها به‌طور مثال شناسایی عدم استفاده از وام اشتغال به‌دلیل ترس از به‌ثمر رسیدن آن در ایجاد اشتغال و تغییر ضوابطی که منجر به ایجاد چنین ترسی در میان مددجویان می‌شود.

#### در حوزه ازدواج و خانواده

- ◇ تسهیل شرایط ازدواج و ایجاد مشوق‌های مادی و غیرمادی برای ازدواج مددجویان مجرد یا بی‌همسر بر اثر فوت یا طلاق؛
- ◇ تسهیل شرایط ازدواج و ایجاد مشوق‌های مادی و غیرمادی برای ازدواج اعضای خانواده مددجویان؛
- ◇ حمایت ویژه (مانند اعطای وام ویژه یا افزایش میزان مستمری) از متاهلین دارای فرزند.

#### ◆ گروه سنی ۴۱ تا ۶۵ سال

- ◇ اجرا برنامه‌های آموزشی خانواده‌محور و مهارت‌زندگی جهت حل مسأله؛
- ◇ ایجاد شبکه ارتباطی بین مددجویان جهت هم‌افزایی سرمایه‌های اجتماعی و ایجاد مشاغل گروهی؛
- ◇ ایجاد تفاهم‌نامه با نهادهای دیگر در افزایش میزان حمایت‌های اجتماعی رفاهی همچون گسترش حمایت‌های بیمه‌ای (اجتماعی و درمانی)؛
- ◇ برگزاری جلسات مشاوره یا برنامه‌های نمایشی-انگیزشی برای تغییر نگرش مددجویان و کمتر کردن تأثیر فرهنگ فقر.





## پیشهادات

- راهکارهای پیشنهادی جامع زیر نیز برای تسریع و تسهیل خروج از فقر تمام گروه‌های مددجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) ارائه شد:
۱. تدوین محتوا در کتب درسی برای مواجهه با فرهنگ فقر با تأکید بر بازنمایی ارزش‌هایی مانند، ارزشمند بودن جریان مولد ثروت، آینده‌نگری، کار به‌عنوان یک ارزش ملی، احساس ارزشمند بودن، مسئولیت‌پذیری و ...؛
  ۲. شناسایی و حذف ضوابطی که منجر به ترس مددجویان در استفاده از فرصت‌های اشتغال (وام اشتغال، دوره‌های آموزشی اشتغال و ...) و تغییر وضعیت اقتصادی و اجتماعی فعلی آن‌ها می‌شود؛
  ۳. شناسایی عوامل موازی کاری یا عدم هماهنگی بین نهادهای حمایتی جهت پیشگیری از اتلاف منابع و نیروها و هم‌افزایی نهادی در راستای خروج از چرخه فقر مددجویان؛
  ۴. ایجاد داشبورد مدیریتی شامل ویژگی‌های مختلف همه مددجویان در سن فعالیت و دسترس‌پذیر کردن این داشبورد برای سازمان‌های ملی مولد اشتغال، از جمله صنایع و ...؛
  ۵. تغییر کانون تمرکز نهادهای حمایتی از پوشش افراد فقیر به پوشش افراد بحران‌دیده؛
  ۶. شناسایی بحران‌هایی که بیشترین تعداد مددجو را به کمیته امداد تحمیل می‌کند؛
  ۷. اجرای برنامه‌های مشارکتی با نهادهای دیگر جهت مدیریت وضعیت فرد بحران‌دیده برای پیشگیری از ورود به چرخه فقر یا کمک به عبور از بحران برای فرد بحران‌دیده.

لازم به ذکر است، پیشنهاداتی که بر اساس عوامل فردی مؤثر بر خروج از فقر داده شد؛ کاملاً در ارتباط مستقیم و در هم تنیده با عوامل زمینه‌ای و ساختاری است. بالا بردن هوش اقتصادی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و یا مهارت زندگی، نیازمند همه آن آموزش‌ها، پشتیبانی از آموزش‌های داده شده، برقراری تعامل با افراد موفق جهت ایجاد انگیزه و آشنایی با روش‌های عبور از بحران، برقراری روابطی که منجر افزایش شبکه روابط مددجویان می‌شود، حمایت از تخصص و استعدادها خاص مددجویان در راستای افزایش سرمایه فرهنگی، اجرای برنامه‌های مشارکت‌محور در راستای افزایش

سرمایه اجتماعی، برنامه‌ریزی برای انتقال تجربیات کسانی که تجربه‌های موفقیت (حتی کوچک)؛ کاملاً با تغییر و بهبود وضعیت عوامل ساختاری مؤثر و ویژگی‌های زمینه‌ای مددجویان در ارتباط متقابل قرار دارد. بنابراین پیشنهادات و برنامه‌های سیاست‌گذارانه تنها در صورتی می‌تواند به موفقیت مورد نظر برسد؛ که ارتباط متقابل همه عوامل با یکدیگر، به‌طور مشخص درک و فهمیده شود.

در واقع با تأکید مجدد بر اینکه فقر تنها به یک عامل بستگی ندارد؛ بلکه اصولاً رابطه بین این عوامل است که زاینده فقر است. رابطه و تعامل بین نظام اجتماعی، سیاست‌های دولت در زمینه اقتصادی، نظام آموزش، نحوه نگرش اجتماعی به زنان و تعامل و رابطه خاصشان با یکدیگر، زمینه‌ساز و تداوم‌بخش فقر است. لازم به یادآوری است، گاهی یک عامل به خودی خود کارکرد و پیامد مثبت یا منفی ندارد، بلکه در کنار و در تعامل با دیگر عوامل، عملکرد مثبت یا منفی‌اش نمایان می‌شود. در واقع به‌رغم تأکید بر عوامل ساختاری، نباید از عاملیت افراد غافل شد و فقر موردی افراد در سایه فقر ساختاری و عمومی، نباید کم‌رنگ شود.

### فهرست منابع

- ابراهیمی، مهدی. (۱۳۹۳). فقر در آمدی، فقر قابلیت و طرد اجتماعی: روندشناسی تحول مفاهیم در بررسی فقر و محرومیت، فصلنامه تأمین اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۵.
- ابوالفتحی قمی، ابوالفضل. (۱۳۷۱). درآمدی بر شناخت شاخص‌های نابرابری درآمد و فقر، مرکز آمار ایران.
- ابونوری، اسماعیل و مالکی، نادر. (۱۳۸۷). خط فقر در استان سمنان طی برنامه‌های توسعه (۱۳۶۸-۸۳)، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸.
- ارضروم چیلر، نسرين. (۱۳۸۴). ابعاد گوناگون فقر در ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- اصل ۴۴ قانون اساسی و ابلاغیه‌های مقام معظم رهبری در خصوص سیاست‌های کلی این اصل.
- اعتماد، محمد کاظم، پیرایی، خسرو، زارع، هاشم و ابراهیمی، مهرزاد. (۱۳۹۹). تأثیر ابعاد فقر بر فقر مزمن و گذرا در ایران، نشریه علمی (فصلنامه) پژوهش و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۹۵، سال بیست‌وهشتم، صص ۲۴۱-۲۱۱.
- افروغ، عماد. (۱۳۷۹). چشم‌انداز نظری به تحلیل طبقاتی و توسعه، تهران: فرهنگ و دانش.
- بااوش، معصومه، شیانی، ملیحه، و موسایی، میثم. (۱۳۹۶). تحلیل عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر فقر و نابرابری حوزه سلامت طی سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۹۰، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفدهم، شماره ۹۷.



- پرستش، نسرين. (۱۳۸۷). پدیده فقر و نابرابری اجتماعی، مجله اقتصادی-ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره‌های ۷۹ و ۸۰، صص ۲۵-۱۵.
- پزویان، جمشید. (۱۳۸۴). همایش سهام عدالت، دانشکده اقتصاد.
- حمیدیان، اکرم. (۱۳۹۶). نابرابری، فقر، طرد اجتماعی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- دادگر، یدالله، نوفرستی، محمد، و مختاری، محمدعلی. (۱۳۹۹). یک ارزیابی از سطح، روند و توزیع فقر چند بُعدی در ایران، فصلنامه علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه، سال بیست‌وپنجم، شماره ۲، صص ۴۳-۲۵.
- دادگر، یدالله. (۱۳۸۶). اقتصاد بخش عمومی، انتشارات دانشگاه مفید.
- دادورخانی، فضیله، سلمانی، محمد، فرهادی، صامت و زارع، زهره. (۱۳۹۰). حکم‌روایی خوب راهبردی برای کاهش فقر روستایی، فصلنامه علمی - پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی - سال سوم، شماره ۴.
- رحیمی بروجردی، علیرضا. (۱۳۸۵). خصوصی‌سازی، انتشارات دانشگاه تهران.
- زارع، رضا و صفری، محمد. (۱۳۹۸). عوامل مرتبط با فقر مطلق در خانواده‌های تحت پوشش نهادهای حمایتی استان فارس، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نوزدهم، شماره ۷.
- زروکی، شهرام، کریمی موغاری، زهرا و اعتمادی، سحر. (۱۳۹۹). تحلیل عوامل مؤثر بر احتمال فقر خانوار در ایران با تأکید بر نوع فعالیت، فصلنامه علمی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران، سال نهم، شماره ۳۶، صص ۱۲۱-۸۹.
- زیبایی، منصور و باقری، مهرداد. (۱۳۹۱). تعیین عوامل مؤثر بر فقر در استان فارس: کاربرد روش اقتصادسنجی فضایی، اقتصاد کشاورزی، جلد ۶، شماره ۱.
- سالم، علی اصغر و عرب یارمحمدی، جواد. (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر فقر چند بعدی، رویکرد مدل‌های چند سطحی پنل، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، سال بیست‌وششم، شماره ۸۷.
- سالم، علی اصغر؛ عرب یارمحمدی، جواد. (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر فقر چند بعدی، رویکرد مدل‌های چند سطحی پنل، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، دوره ۲۶، شماره ۸۷.
- سن، آمارتیا. (۱۳۷۹). برابری و آزادی، ترجمه حسن فشارکی، تهران: انتشارات شیرازه.
- شفیعیان، امیرحسین، محمدی الیاسی، قنبر، احمدپور داریانی، محمود، خاندوزی، سید احسان، و پاداش، حمید. (۱۴۰۰). شاکله دانش در نظریه توانمندسازی کارآفرینانه فقرا: یک تحلیل وسیع علم‌سنجی، توسعه کارآفرینی، دوره ۱۴، شماره ۱، صص ۹۹-۱۱۸.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۴). فقر، محرومیت و شهروندی در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۸.
- شیخی، محمد و امانیان، ابوالفضل. (۱۳۸۹). عاملیت انسانی و فقر بررسی ارتباط کنش مؤثر فردی با فقر اقتصادی در مهاجرین حاشیه‌نشین کلانشهر تبریز، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی شماره ۴.

- طالب، مهدی، فیروزآبادی، سید احمد و پیری، صدیقه. (۱۳۹۰). مسأله شناسی فقر از دیدگاه زنان و دختران روستایی (مطالعه موردی روستای گنبد پیرمحمد از توابع شهرستان ملکشاهی - استان ایلام)، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، شماره ۲.
- عباس‌زاده، محمد و نصراله‌ی وسطی، لیلا. (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر فقر از دیدگاه زنان متأهل با تحصیلات عالی، فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۳، شماره ۱.
- عرب‌مازار، عباس و حسینی‌نژاد، سید مرتضی. (۱۳۸۳). عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای شاغل روستایی در ایران، جستارهای اقتصادی، شماره ۱.
- علمی، زهرا و علی‌تبار، فهیمه. (۱۳۹۱). اثر آموزش و بعد خانوار بر احتمال خروج از فقر در مناطق شهری ایران در دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۶.
- علمی، زهرا؛ علی‌تبار، فهیمه. (۱۳۹۱). اثر آموزش و بعد خانوار بر احتمال خروج از فقر در مناطق شهری ایران در دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸، نشریه دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، دوره ۱۲، شماره ۴۶.
- غضنفری اقدام، کمال و میلا علمی، زهرا. (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر شکل‌گیری طبقات فقیر در ایران (رویکرد داده‌های شبه تابلویی)، نشریه علمی سیاست‌گذاری اقتصادی، سال یازدهم، شماره ۲۱.
- فطرس، محمدحسن؛ قدسی، سوده. (۱۳۹۶). مقایسه عملکرد برنامه‌های توسعه ایران با شاخص فقر چند بعدی محاسبه شده به روش آلکایر و فوستر، نشریه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۷، شماره ۲۷.
- گالبرایت، جان، کنت. (۱۳۷۱). ماهیت فقر عمومی، ترجمه سید محمدحسین عادل، انتشارات عادل.
- گریوانی، فاطمه، احمدی شادمهری، محمدطاهر و فلاحی، محمدعلی (۱۳۹۳) بررسی عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای شهری استان خراسان شمالی با استفاده از الگوی توییت، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال پنجم، شماره ۲۰.
- گزارش اقتصادی و ترازنامه ۱۳۸۳، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۰۳. (۱۳۸۲). دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، چاپ اول.
- لابن، ژان (۱۳۵۹) جامعه‌شناسی فقر (جهان سوم و جهان چهارم)، ترجمه جمشید بهنام، تهران، انتشارات خوارزمی.
- متن نهایی لایحه اجرای سیاست‌های کلی ۴۴.
- متوسلی، محمودی. (۱۳۸۲). توسعه اقتصادی، انتشارات سمت.
- محمدپور، احمد، بوستانی، داریوش، علیزاده، مهدی. (۱۳۹۱). ارزیابی کیفی عملکرد سازمان‌های بهزیستی و کمیته امداد در کاهش فقر زنان سرپرست خانوار شهرساری، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۶.



- محمدزاده، پرویز، فلاحی، فیروز و حکمتی فرید، صمد. (۱۳۸۹). بررسی فقر و عوامل تعیین کننده آن در بین خانوارهای شهری کشور، فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی شماره ۲.
- محمودی، وحید. (۱۳۸۱). اندازه‌گیری فقر در ایران، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲۴.
- محمودی، وحید و صمیمی‌فر، سید قاسم. (۱۳۸۴). فقر قابلیت، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷.
- محمودی، وحید؛ صمیمی‌فر، قاسم. (۱۳۸۴). مفهوم و روش‌های اندازه‌گیری فقر و نابرابری / فقر قابلیت، نشریه رفاه اجتماعی، شماره ۱۷.
- مشایخی، ساجده، مردانزادی، همایون، محمدی، سمیره و میرکزاده، علی‌اصغر. (۱۴۰۰). بررسی عوامل مؤثر بر فقر اقتصادی زنان سرپرست خانوار روستایی (مورد مطالعه شهرستان کرمانشاه)، علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۱۷، شماره ۱.
- مولایی، محمد، و رحیمی، زهره. (۱۳۹۶). بررسی وضعیت فقر در خانوارهای شهری ایران طی پنج برنامه توسعه اقتصادی ایران ۱۳۹۴-۱۳۶۸، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، سال هجدهم، شماره سوم، صص ۱۹۲-۱۶۷.
- میرزایی، محمد و کبریایی، عاطفه. (۱۳۹۹). عوامل جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر فقر خانوارهای شهری ایران در ۱۳۹۵، جمعیت‌شناسی ایران، سال پانزدهم، شماره ۳.
- نارایان، دیبا. (۱۳۹۵). توانمندسازی و کاهش فقر (کتاب مرجع بانک جهانی)، ترجمه فرزام پوراصغر سنگاچین و جواد رمضان‌نی، تهران، کریم‌خان زند.
- وندقی، صابر. (۱۳۹۶). بررسی فقر در ایران، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، دوره ۳، شماره ۲.
- یوسفی، علی، مهدیان، شکیبیا و خلج، سکینه. (۱۳۹۴). شناسایی عوامل تعیین کننده فقر چند بعدی در مناطق روستایی ایران، پژوهش‌های روستایی، دوره ۶، شماره ۴.
- یوسفی، علی؛ مهدیان، شکیبیا، خلج، سکینه. (۱۳۹۴). شناسایی عوامل تعیین کننده فقر چند بعدی در مناطق روستایی ایران، نشریه پژوهش‌های روستایی، دوره ششم، شماره ۴ (پیاپی ۲۴).

## References

- Achia, T. N. Wangombe, A. & Khadioli, N. (2010). "A Logistic Regression Model to Identify Key Determinants of Poverty Using Demographic and Health Survey Data". *European Journal of Social Sciences* 13 (1): 38-45.
- Adenutsi, Deodat E. (2009) Entrepreneurship, job creation, income empowerment and poverty reduction in low-income economies: Online at <https://mpr.aub.uni-muenchen.de/29569/>
- Biyase, M. and Zwane, T. (2017). "An Empirical Analysis of the Determinants of Poverty and Household Welfare in South of Aferica". MPRA <https://mpr.aub.uni-muencn.de/77085>.
- Bodeaa, Gabriela & Hermanb, Emilia (2014). Emerging Markets Queries in Finance and Business Factors behind working poverty in Romania, *Procedia Economics and Finance* 15 (2014) 711– 720.
- Bradshaw, T. K(2006). Theories of Poverty and Anti-Poverty Programs in Community Development, RPRC Working Paper No. 06-05.



- Brady, D (2019). Theories of the Causes of Poverty, Annual Review of Sociology,45.
- Davis, E. P and Sanchez-Martinez, M (2014). A review of the economic theories of poverty, National Institute of Economic and Social Research. No. 435
- De Haan, Arjan. (2007). Reclaiming Social Policy: Globalization, Social exclusion and New poverty Reduction Strategies, Palgrave Macmillan Publications.
- Geda, A. Jong, N. & Kimenyi, M. S. (2005). "Determinants of Poverty in Kenya: A Household Level Analysis". University of Connecticut. Working Paper 2005-44.
- Islam, Aminul S. (2005). Sociology of Poverty: Quest for a New Horizon. Bangladesh: Journal of Sociology, Vol. 2. No. 1. January.
- Mok, T. Y. Gan, C. & Sanyal, A. (2007). "The Determinants of Urban Household Poverty in Malaysia". Journal of Social Sciences 3 (4): 190-196.
- Nicholas Kofi Adjei,<sup>a</sup> \* Daniela K. Schluter, <sup>€</sup> a Viviane S. Straatmann,<sup>b</sup> Gabriella Melis,<sup>a</sup> Kate M. Fleming,<sup>a</sup> Ruth McGovern,<sup>c</sup> Louise M. Howard,<sup>d</sup> Eileen Kaner,<sup>c</sup> Ingrid Wolfe,<sup>e</sup> and David C. Taylor-Robinson, <sup>a</sup> (2021). Impact of poverty and family adversity on adolescent health: a multi-trajectory analysis using the UK Millennium Cohort Study, <https://doi.org/10.1016/j.lanep.2021.100279>
- Palomar-Lever, J. & Victorio-Estrada, A. (2012). Factors that influence emotional disturbance in adults living in extreme poverty. Scandinavian Journal of Psychology 53, 158–164.
- World Bank (2005). Introduction to Poverty Analysis, Poverty Manual, JH Revision of August 8, World Bank Institute.